



Investigating Government as a Platform Characteristics: A Systematic Literature Review and Meta-Synthesis

Mahdi Yakhchali 

Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: m_yakhchali@ut.ac.ir

Reza Tahmasebi 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: rtahmasebi@ut.ac.ir

Meisam Latifi 

Associate Prof., Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. E-mail: latifi@isu.ac.ir

Amin Faraji Mollaie 

Assistant Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: a.faraji@ut.ac.ir

Abstract

Objective: Inspired from online business platforms, the idea of Government as a Platform (GaaP) claims that it can transform the government's approach to public service to a better, smarter and cheaper public service, and to "do more with more". This research aims to investigate and identify the characteristics of Government as a Platform and to develop a conceptual framework to show the characteristics as well as different interpretations of the concept.

Methods: This qualitative research has been conducted through a systematic literature review followed by a meta-synthesis approach. From 776 documents found in the screening stage, 38 research documents were selected for coding, data extracting and analysis as the output of the systematic review to enter the meta-synthesis process.

Results: Aggregation and classification of the codes extracted, formed 29 concepts (characteristics): Openness, Data-driven, Sharing, Block Structure, Network Effects, Citizen Empowerment, Citizen Centricity, Collaboration, Modularity, Interoperability, Simplicity, Evolutionary Process, ReUsability, Using Common or Shared Sources, Using Existing Best, Experimentation, Achievability, Service Oriented Architecture, Accessibility, Integrity, Leading by Examples, Learning from Hackers, Using Data Mining, Agility, Flexibility, Availability, Digital as default, One to Many, and Re-Organizing Government. These concepts were

classified into three categories: Basic characteristics, Technical characteristics and Executive characteristics.

Conclusion: This research concludes that available interpretations of Government as a Platform are not completely diverse and different views. Perhaps achieving some combination of GaaP basic, technical and executive characteristics, form three views or layers: Government as a technology platform, Government as a data platform and Government as an innovation ecosystem. Overall if Government as a Platform is to be a meaningful concept, it needs to incorporate some level of all three of these layers. This research tried to identify the GaaP characteristics and their relation to these different points of views (layers) in form of a comprehensive conceptual framework.

Keywords: Government as a platform, Digital government, Open governance, Systematic review, Meta-synthesis.

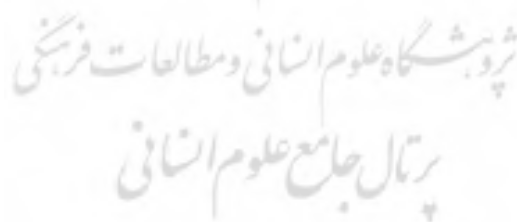
Citation: Yakhchali, Mahdi, Tahmasebi, Reza, Latifi, Meisam, & Faraji Mollaie, Amin (2020). Investigating Government as a Platform Characteristics: A Systematic Literature Review and Meta-Synthesis. *Journal of Public Administration*, 12(2), 204-237. (in Persian)

Journal of Public Administration, 2020, Vol. 12, No.2, pp. 204-237

DOI: 10.22059/jipa.2020.303652.2755

Received: December 01, 2019; Accepted: April 13, 2020

© Faculty of Management, University of Tehran





واکاوی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم با استفاده از مرور نظام‌مند و فراترکیب

مهدی یخچالی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: m_yakhchali@ut.ac.ir

رضا طهماسبی

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت دولتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: rtahmasebi@ut.ac.ir

میثم لطیفی

دانشیار، مدیریت دولتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. رایانامه: latifi@isu.ac.ir

امین فرجی ملائی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: a.faraji@ut.ac.ir

چکیده

هدف: ایده دولت به‌مثابه پلتفرم با الهام از کسب‌وکارهای پلتفرمی اینترنتی، مدعی است که می‌تواند موجب تحول در رویکرد دولت به خدمات عمومی و در نتیجه بهبود کیفیت خدمات دولتی و در عین حال کاهش هزینه شود. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم و ارائه چارچوبی مفهومی از ویژگی‌ها و برداشت‌های مختلف از آن است.

روش: این پژوهش از نوع کیفی بوده و روش انجام آن، مرور نظام‌مند ادبیات با استفاده از رویکرد فراترکیب برای تحلیل داده‌های مستخرج از منابع منتخب است. در نهایت، در فرایند مرور نظام‌مند، ۳۸ منبع برای تحلیل کیفی و کدگذاری انتخاب و استفاده شدند.

یافته‌ها: در نتیجه تجمیع و دسته‌بندی کدهای احصاشده، تعداد ۲۹ مفهوم (ویژگی) شکل گرفت که با توجه به جنس، در سه مقوله ویژگی‌های ذاتی، فنی و اجرایی دسته‌بندی شدند. به این ترتیب، برخی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم عبارت‌اند از: باز بودن، داده‌محوری، استفاده از منابع مشترک، خاصیت شبکه‌ای، توانمندسازی، شهروندمحوری، پودمانی (ماژولار) بودن، تعامل‌پذیری، سادگی، شکل‌گیری تدریجی، استفاده از بهترین‌های موجود و

نتیجه‌گیری: بر اساس این پژوهش، برداشت‌های مختلف از این مفهوم به‌معنای تفاوت و تمایز کامل برداشت‌ها از این مفهوم نیست، بلکه از کنار هم قرار گرفتن برخی ویژگی‌های ذاتی، فنی و اجرایی، سه نوع زاویه نگاه به‌مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم شکل گرفته است که عبارت‌اند از: دولت به‌مثابه پلتفرم فناوری، دولت به‌مثابه پلتفرم داده و دولت به‌مثابه اکوسیستم نوآوری. در این پژوهش تلاش شده تا ضمن احصای ویژگی‌های مشترک، تفاوت این برداشت‌ها در قالب چارچوب مفهومی جامعی نیز مشخص شود.

کلیدواژه‌ها: دولت به‌مثابه پلتفرم، دولت دیجیتال، حکمرانی باز، مرور نظام‌مند، فراترکیب.

استناد: یخچالی، مهدی؛ طهماسبی، رضا؛ لطیفی، میثم؛ فرجی ملائی، امین (۱۳۹۹). واکاوی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم با استفاده از مرور نظام‌مند و فراترکیب. مدیریت دولتی، ۱۲(۲)، ۲۰۴-۲۳۷.

مدیریت دولتی، ۱۳۹۹، دوره ۱۲، شماره ۲، صص. ۲۰۴-۲۳۷

DOI: 10.22059/jipa.2020.303652.2755

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

هر روزه دولت‌ها با مشکلات پیچیده‌ای، از راهبری اثربخش مأموریت‌ها و ارائه خدمات عمومی تا هدایت موضوع‌های سیاستی و پیشبرد توسعه اقتصادی، مواجه هستند. روندهای جمعیتی، فناوری‌های دیجیتال، انتظارات شهروندان و محدودیت‌های بودجه‌ای نیز بر پیچیدگی این وظایف می‌افزایند (لمسون^۱، ۲۰۱۷). دولت‌ها به دنبال راهی هستند تا ضمن کاهش هزینه، امکان ارائه خدمات بیشتر و بهتر به مردم فراهم شود. تغییر این وضعیت، مستلزم تغییر تفکر دولت به نحوه ارائه خدمات دولتی است، تحولی که فراتر از تغییر سطحی در رویه‌های انجام کاری یا بهینه‌سازی آنهاست. پس باید تمرکز از بهبود فرایندها به تغییر اساسی روش به دست آوردن خروجی‌ها و نتایج منتقل شود (دی‌میو^۲، ۲۰۱۰). ما به دولتی کوچک‌تر نیاز داریم تا برای خلق ارزش‌های عمومی، امکان استفاده از قابلیت‌ها و دانش و منابع موجود در جامعه را فراهم کند (یانسن و استیوز^۳، ۲۰۱۳). یکی دیگر از مشکلاتی که کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه، با آن مواجه هستند، موفق نبودن پروژه‌های فناوری اطلاعات دولت الکترونیک به دلیل پیچیده بودن، بزرگ بودن، زمان‌بر بودن و پرهزینه بودن است (موخوپادیای، بومن و جاییسوال^۴، ۲۰۱۹). اختراع چرخ به‌طور جداگانه در هر زمانی که دولت سرویسی جدید ارائه می‌کند به دوباره‌کاری و هدررفت زیاد منابع منجر شده (بریکن^۵، ۲۰۱۵) و باعث شده است تا بودجه و سرمایه زیادی برای این سیستم‌های بزرگ IT صرف و در این زیرساخت‌ها قفل شود (فوجیتسو^۶، ۲۰۱۵). مشکل، نگاه سیلویی به تحول بوده است (بریکن، ۲۰۱۵). سیلویی بودن دولت به این معنا است که خریداری و پیاده‌سازی فناوری در سازمان‌ها در فرایند نوسازی و مکانیزه شدن، حتی در مواردی که الزامات و عملیات کاری سازمان‌ها مشابه یا یکسان بوده، به صورت موازی صورت گرفته است. در واقع، به جای ایجاد دولتی دیجیتال، تلاش‌های مدرن‌سازی به ایجاد تعداد زیادی دولت دیجیتال درون دولت منجر شده که هر یک دارای نقایص امنیتی، هزینه‌های متورم و تجربه‌های کاربری متفاوتی هستند. در نتیجه، هزارتویی از پایگاه‌های داده و برنامه‌های کاربردی پراکنده در سطح سازمان‌های دولت به وجود آمده که یکپارچه‌سازی و کارکردن آنها با هم، تقریباً غیرممکن یا بسیار مشکل است (ایوز، پوپ و مک‌گوایر^۷، ۲۰۱۹).

در سال‌های اخیر، ایده‌ای با عنوان «دولت به‌مثابه پلتفرم»^۸ مطرح شده که مدعی است می‌تواند مشکلات یادشده را برطرف کند. در ایده دولت^۹ به‌مثابه پلتفرم، به جای اینکه سیستم‌های منحصر به فرد و سفارشی داشته باشیم که نمی‌توانند با هم تعامل کنند، گران هستند و ممکن است جواب‌گو نباشند، می‌توان آنها را با قطعات (سیستم‌های) کوچک، مناسب و قابل سازمان‌دهی مجدد جایگزین کرد (کوپلند^{۱۰}، ۲۰۱۶). دولت به‌مثابه پلتفرم، افق جدیدی برای دولت دیجیتال است؛ زیرساخت مشترک مرکزی به اشتراک گذاشته‌شده‌ای از سیستم‌ها، تکنولوژی‌ها و فرایندهای دیجیتال که بتوان به راحتی روی آن سرویس‌های دولتی کاربرمحور ساخت (بریکن، ۲۰۱۵).

1. LeMasson

3. Janssen & Estevez

5. Bracken

7. Eaves, Pope, & McGuire

2. Di Maio

4. Mukhopadhyay, Bouwman, & Jaiswal

6. Fujitsu

8. Government as a Platform

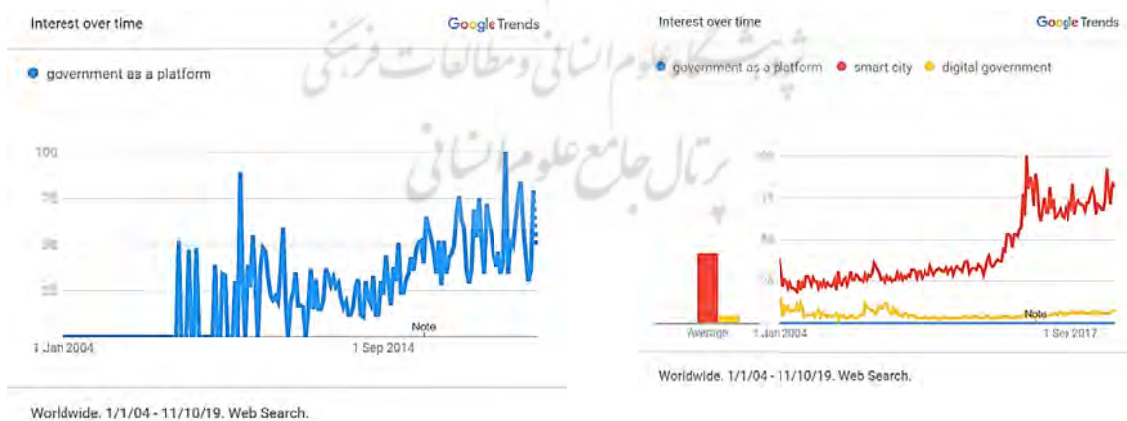
۹. در این مقاله دولت به معنا و معادل حکومت در نظر گرفته می‌شود.

10. Copleland

دولت به‌مثابه پلتفرم مدعی است که به‌کارگیری تفکر پلتفرمی می‌تواند موجب تحول در رویکرد دولت به خدمات عمومی و در نتیجه بهبود کیفیت خدمات دولتی و در عین حال کاهش هزینه شود. در این صورت، به‌طور لزوم نباید سازمان‌های دولتی، خدمات عمومی را ارائه کنند. در عصر دیجیتال، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، شهروندان و حتی ماشین‌ها می‌توانند این خدمات را حتی سریع‌تر، سالم‌تر و مطلوب‌تر از دولت به استفاده‌کنندگان ارائه دهند (اکسنچر^۱، ۲۰۱۶). در این راستا، توانمندسازی شهروندان با هدف ایجاد نوآوری‌های جدید توسط آنها انجام می‌شود که می‌تواند به تولید رویکردی بهتر در اداره جامعه و حکومت منجر شود. در این مدل، دولت یک فراخواننده و یک توانمندساز است تا از این طریق مشارکت مردم را در انجام امور جلب کند (اورایی^۲، ۲۰۱۰: ۱۵).

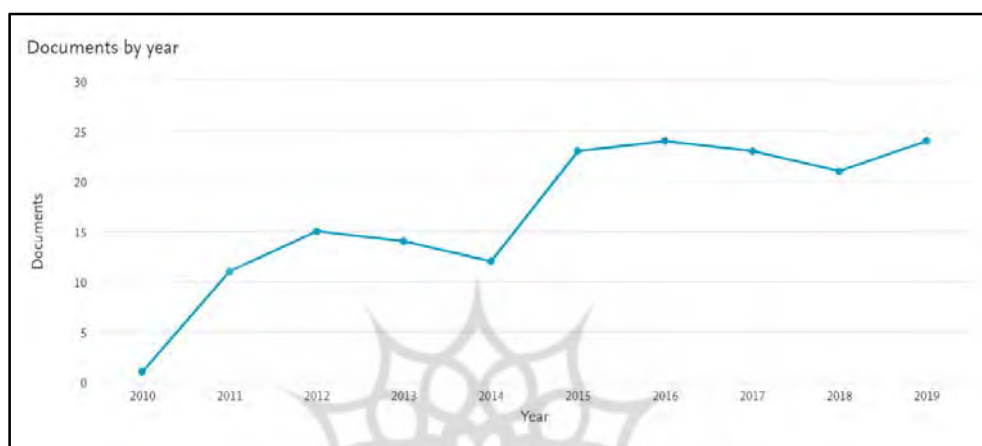
از طرفی، فناوری‌های دیجیتال در حال پدید آوردن عصر جدیدی از تعاملات و اشتراک‌گذاری اطلاعات با محوریت مدل‌های کسب‌وکار پلتفرمی هستند. پلتفرم‌ها، ستون فقرات فناوری برای نهادهای جدید و امکان‌پذیر کردن این نوع همکاری جدید را فراهم می‌کنند (لمسون، ۲۰۱۷). تعامل بین زیرساخت اینترنت، تحول شبکه‌ای و تغییر رویکرد خدمات محوری به‌جای محصول محوری، به‌دلیل فرصت‌هایی که اینترنت در اختیار گذاشته، نوع جدیدی از سازمان‌دهی را به وجود آورده که اکوسیستم پلتفرمی نام دارد. این اکوسیستم، از اجزای تکنولوژیک مرکزی ایجادشده توسط صاحب پلتفرم، به‌همراه مشارکت‌کنندگان بیرونی (سازمانی و فردی) متعدد که با ارائه سرویس‌ها و برنامه‌های کاربردی، پلتفرم را تکمیل کرده و راه‌حلی جدید ارائه می‌کنند، متشکل است (براون، فیشندن، تامپسون و ونترز^۳، ۲۰۱۷).

به نظر می‌رسد، مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم با آمدن مفاهیم نوظهور دیگری چون دولت هوشمند و دولت دیجیتال، برای مدتی کم‌رنگ شد (شکل ۱).



شکل ۱. روند جست‌وجوی عبارت «دولت به‌مثابه پلتفرم» در گوگل و مقایسه آن با دو مفهوم «شهر هوشمند» و «دولت دیجیتال» (در این نمودارها بزرگ‌ترین مقدار ۱۰۰ در نظر گرفته شده و مقدار سایر موارد در مقایسه با آن نرمال شده است).

با وجود این، به نظر می‌رسد در چند سال اخیر، با توجه به نتایج ارزیابی‌های صورت گرفته از اجرایی شدن مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم در برخی کشورها، این موضوع دوباره توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، به‌طوری که نتایج جست‌وجوی عبارت دولت به‌مثابه پلتفرم در پایگاه اسکوپوس، نشان‌دهنده رشد تعداد پژوهش‌ها در این خصوص در سال‌های اخیر است (شکل ۲).



شکل ۲. نتایج جست‌وجوی عبارت «دولت به‌مثابه پلتفرم» در پایگاه اسکوپوس
منبع: اسکوپوس (۲۰۱۹)

همان‌طور که در پیشینه پژوهش نیز نشان داده خواهد شد، علاوه بر اینکه پژوهش‌های مروری نظام‌مندی با موضوع دولت به‌مثابه پلتفرم انجام نشده، در سایر پژوهش‌ها نیز به جنبه یا بعد یا برداشت خاصی از مفهوم پرداخته شده و از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم، چارچوب جامع و کاملی ارائه نشده است. هدف از پژوهش حاضر، تلاش برای رفع این خلأ و ارائه تصویری جامع و یکپارچه از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم، با استفاده از مرور نظام‌مند ادبیات نظری پراکنده و تجربیات گاه متفاوت کشورها در پیاده‌سازی این مفهوم است. به بیان دیگر، هدف، ارائه چارچوبی مفهومی است که بتواند ویژگی‌های مفهوم را در کنار هم و با دسته‌بندی و تفکیک مناسب به‌همراه برداشت‌های مختلف موجود از آن نشان دهد. در نتیجه این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش خواهد بود که مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم چیست، چه ویژگی‌هایی برای این مفهوم شناسایی‌شدنی است و از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم چه برداشت‌هایی وجود دارد؟

پیشینه نظری

پلتفرم

نیک آیین^۱ (۲۰۱۴)، پس از بررسی مفهوم پلتفرم در ادبیات حوزه‌های مختلف، به بحث درباره آن پرداخته است. در ادبیات

توسعه محصول، «پلتفرم محصول» به سیستمی از اجزای پایه اطلاق می‌شود که به‌طور مشترک برای تولید محصولات گوناگون در یک کارخانه استفاده می‌شود. در ادبیات اقتصادی، عبارات «بازار دوسویه» یا «پلتفرم دوسویه یا چندسویه» برای توصیف محصول، سیستم، سرویس یا سازمانی که نقش میانجی یا واسط بین دو یا چند گروه از عاملان را دارند، استفاده می‌شوند. در ادبیات استراتژی کسب‌وکار و مدیریت، پژوهشگران به پژوهش در خصوص چگونگی سازمان‌دهی و مدیریت شبکه شرکت‌های فعال حول یک پلتفرم مانند اینتل، اپل، گوگل و مایکروسافت می‌پردازند. عبارت پلتفرم صنعتی این‌طور تعریف شده است: اجزای سازنده^۱ (شامل محصولات، فناوری‌ها و سرویس‌ها) که به‌عنوان پایه‌ای عمل می‌کند که مجموعه‌ای از شرکت‌ها بتوانند محصولات، فناوری‌ها و خدمات خود را روی آن توسعه دهند که به آن اکوسیستم کسب‌وکار نیز گفته می‌شود. پژوهشگران حوزه سیستم‌های اطلاعات، از عبارات و تعاریف مختلفی مانند زیرساخت‌های دیجیتال و پلتفرم‌های دیجیتال برای اشاره به سیستم‌ها و سازه‌هایی که به‌عنوان پلتفرم عمل می‌کنند، استفاده می‌کنند. عبارت پلتفرم نرم‌افزاری را نیز «پایگاه کد توسعه‌پذیر از سیستم‌های نرم‌افزارمحور با کارکرد مرکزی و اشتراک گذاشته‌شده از یک طرف با ماژول‌هایی^۲ که با آن در تعامل هستند و از طرف دیگر با پیش‌خوان‌هایی که از طریق آن عمل می‌کنند» تعریف می‌کنند. در حقیقت، ادبیات این حوزه به سیستم‌های اطلاعاتی پیچیده و بزرگی با عنوان پلتفرم می‌پردازند که روی این پلتفرم‌ها سرویس‌های جدید با استفاده از منابع اطلاعاتی اشتراک گذاشته‌شده، قابل اضافه شدن هستند (نیک‌آیین، ۲۰۱۴).

به بیان دیگر، پلتفرم، یک زیرساخت باز، همراه با یک مدل حکمرانی^۳ است که تعاملات ذی‌نفعان متعدد را واسطه‌گری و هماهنگ می‌کند. بنابراین یک پلتفرم، زیرساختی آماده برای استفاده^۴ است که در آن ذی‌نفعان متعدد می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و شروع به تعامل با یکدیگر کنند. تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ارزش می‌توانند روی این زیرساخت باز با هم مشارکت کنند. زمانی که بازار ایجاد می‌شود، پلتفرم قواعد حکمرانی را تعیین می‌کند که مشخص می‌کند چه چیزی حمایت‌شده و مطلوب است و چه چیزی نیست (چوداری^۵، ۲۰۱۷). طراحی مبنایی که دیگران بتوانند بر اساس آن اقدام کنند، بخش مهمی از تفکر پلتفرمی است. بحث درباره ایجاد نقطه شروع است، نقطه‌ای که دیگران بتوانند دوباره از آن استفاده کرده و آن را گسترش دهند (اورایی، ۲۰۱۰: ۲۱).

دولت به‌مثابه پلتفرم

تیم اورایی در سال ۲۰۱۰ برای نخستین بار مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم را مطرح کرد و با اشاره به شرکت‌های موفقی چون ویکی‌پدیا، آمازون و گوگل، توضیح داد که چطور سازمان‌های پلتفرم‌پایه، خدمات خود را از طریق رفتار و داده‌های بازخوردشده از مشتریان بهبود دادند. وی معتقد است که این برای دولت نیز شدنی است و مدل قدیمی دولت را که در آن مردم مالیات پرداخت و خدمات دریافت می‌کردند ولی مشارکت داده نمی‌شدند را نقد کرد و معتقد بود که دولت باید

1. Building Blocks
3. Governance model
5. Choudary

2. Module
4. Plug-and-Play

ظرفیتی را ایجاد کند تا مردم بتوانند در اکوسیستمی از مشارکت به نوآوری بپردازند. در این راستا، اطلاعات تولیدشده توسط شهروندان یا از طرف آنها، مانند خونی برای اقتصاد و کشور است و دولت مسئولیت دارد با آن مانند دارایی ملی برخورد کند (براون^۱، ۲۰۱۶). دولت به‌مثابه پلتفرم به‌دنبال پاسخ به دو پرسش کلیدی است. نخست اینکه، دولت چطور به یک پلتفرم باز تبدیل شود، به طوری که افراد داخل و بیرون از دولت امکان نوآوری پیدا کنند و دوم، چطور می‌توان سیستمی را طراحی کرد که در آن نتایج (راه‌حل‌ها) از قبل تعیین شده نباشند، بلکه در تعامل بین دولت و مردم شکل بگیرند (مارگتس و نومن^۲، ۲۰۱۷).

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، طی سال‌های اخیر از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم، برداشت‌ها و تعاریف مختلفی ارائه شده است. برخی از این تعاریف در جدول ۱ گردآوری شده‌اند.

جدول ۱. منتخبی از تعاریف «دولت به‌مثابه پلتفرم» به ترتیب سال انتشار

منبع	تعریف
اورایی، ۲۰۱۰: ۱۴	استفاده از تکنولوژی (به‌خصوص تکنولوژی‌های مشارکتی مرتبط با وب ۲/۰) برای حل بهتر مشکلات جمعی در یک شهر، کشور یا در سطح بین‌المللی، از طریق ترغیب بخش خصوصی برای ساختن برنامه‌های کاربردی که دولت تشخیص نمی‌دهد یا منابع لازم برای توسعه آن را ندارد که لازمه آن ارائه داده باز ^۳ است.
بریکن، ۲۰۱۵	زیرساخت مشترک مرکزی به‌اشتراک گذاشته‌شده‌ای از سیستم‌ها، تکنولوژی‌ها و فرایندهای دیجیتال که بتوان به‌راحتی روی آن سرویس‌های دولتی کاربر - محور و عالی ساخت.
ویلیامز، گراوسن و براون‌هیل ^۴ ، ۲۰۱۵	مجموعه سازمان‌یافته‌ای از عقاید و اصول است که به دولت امکان می‌دهد به‌طور کارآمدتری منابع فناوری اطلاعات را به اشتراک بگذارد و از طریق رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی (API) ^۵ ، داده را در دسترس قرار دهد تا اشخاص ثالث بتوانند خدمات با ارزش بالاتر به شهروندان ارائه کنند.
میلارد ^۶ ، ۲۰۱۷: ۱۳	یک پلتفرم خدماتی منبع باز در بستر ابر ^۷ که خدمات، داده‌ها و امکانات توانمندساز دولتی را به‌عنوان سنگ بنای افزایش بهره‌وری و اثرگذاری فراهم می‌کند.
ریپونن ^۸ ، ۲۰۱۷: ۵	دولت به‌مثابه پلتفرم، یک اکوسیستم نوآوری خدمات دولتی مجهز شده به فناوری است. به‌طور مشخص‌تر، دولت به‌مثابه پلتفرم پلتفرمی بزرگ‌تر و سطح بالاتر، متشکل از تعدادی پلتفرم کوچک‌تر یا موجودیت‌های جزئی‌تر و متصل به‌هم است که از پلتفرم‌های مختلف سطح صنعت که اکوسیستم‌های خود را تشکیل می‌دهند، نمایندگی می‌کند. این موجودیت‌ها با هم، یک اکوسیستم نوآوری باز را تشکیل می‌دهند که در آن هم بازیگران بخش عمومی و هم بخش خصوصی می‌توانند به خلق راه‌حل‌های خلاقانه برای ارائه خدمات عمومی به روشی بهتر بپردازند.
اورایی، ۲۰۱۷	دولت به‌مثابه پلتفرم به‌معنای برون‌سپاری برنامه‌های دولت به بخش خصوصی نیست، بلکه به‌معنای تعیین راهبردی و فراهم کردن اجزای سازنده ضروری برای ارائه خدمات دولت است، البته نه آنقدر پر تعداد که فرصت را از مشارکت‌کنندگان در بازار سلب کند.

1. Brown
3. Open Data
5. Application Programming Interface
7. Cloud

2. Margetts & Naumann
4. Williams, Gravesen & Brownhill
6. Millard
8. Reponen

ادامه جدول ۱

منبع	تعریف
مک‌براید ^۱ ، ۲۰۱۷: ۱۷	دولت به‌مثابه پلتفرم در شرایطی که داده‌های دولتی و خدمات کامپیوتری به‌طور فزاینده‌ای در حال ارزان شدن هستند، پدید می‌آید. با قرار دادن داده و اطلاعات دیجیتال در دسترس شهروندان، دولت می‌تواند به شهروندان کمک کند تا بهره‌وری، تصمیم‌گیری و رفاه خود را بهبود دهند. در این صورت، دولت، مسئول فعالیت نهایی نیست، ولی می‌تواند از پلتفرم و نفوذ خود برای حصول ارزش عمومی بیشتر استفاده کند.
بیسونو ^۲ ، ۲۰۱۷: ۱۵	دولت به‌مثابه پلتفرم، تصور نگاه به دولت به‌طور عمومی به‌صورت پلتفرمی برای نوآوری به‌جای مکانیزمی برای ارائه خدمات است.
بارنز ^۳ ، ۲۰۱۸	به‌کارگیری مدل‌های داده - محور و تعاملی از حکمرانی، از طریق باز کردن (در دسترس قرار دادن) امکانات دولت برای مردم، به‌طوری که به مردم اجازه مشارکت در خلق راه‌حل‌ها در همکاری با کارگزاران دولتی و عوامل آنها داده شود.
دوپونت ^۴ ، ۲۰۱۸	چشم‌انداز دولت به‌مثابه پلتفرم، یادگیری از سیلیکون ولی ^۵ و ایجاد زیرساختی چابک، غیرمتمرکز و باز که به تیم‌های کوچک امکان امتحان کردن ایده‌های جدید و روش‌های متنوع را می‌دهد. به‌جای تلاش برای ساخت یک‌باره همه چیز، برنامه‌های دیجیتال جدید می‌توانند در فرایندی چابک‌تر و تکاملی‌تر ساخته شوند. پروژه‌ها می‌توانند بعد از اینکه کارایی خود را نشان دادند، افزایش مقیاس داده شوند، نه قبل از آن.
پوپ ^۶ ، ۲۰۱۹: ۴	دولتی باز سازمان‌دهی شده حول اجزای اشتراک‌گذاشته‌شده، APIها، استانداردها و مجموعه داده‌های رسمی.

حکمرانی باز^۷ خاستگاه دولت به‌مثابه پلتفرم

یانسن و استیوز (۲۰۱۳) از عبارات دولت الکترونیک، دولت تحولی^۸ و دولت چابک^۹ برای بیان مراحل تحول در دولت الکترونیک استفاده کرده و ویژگی دولت چابک را حکمرانی بر مبنای پلتفرم معرفی کرده‌اند. میلارد (۲۰۱۷: ۳) با اضافه کردن مرحله‌ای دیگر با عنوان دولت / حکومت باز^{۱۰}، این مدل را توسعه داد (شکل ۳). به نظر وی، این چهار مرحله از هم متمایز نیستند، بلکه پیشرفت تکاملی دارند. حکومت باز جزء جدانشدنی سیاست نوآوری بخش عمومی مبتنی بر فناوری اطلاعات است که امروزه در دستور کار بسیاری از دولت‌ها قرار دارد. می‌توان مشاهده کرد که دولت چطور تحت تأثیر فهم و کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته، به‌طوری که دولت الکترونیک، از ICT^{۱۱} فقط برای بهبود کارایی سیستم فعلی بدون ایجاد تغییرات در ساختار و روش کار دولت بهره گرفته است، دولت تحولی توانست از ICT در کنار سایر پیش‌ران‌های استفاده‌شده برای تحول دولت برای افزایش اثرگذاری در کنار کارایی استفاده کند. از طرفی دولت

1. McBride

3. Barns

5. Silicon Valley

7. Open Governance

9. Lean Government (L-government)

11. Information and Communications Technology

2. Bisogno

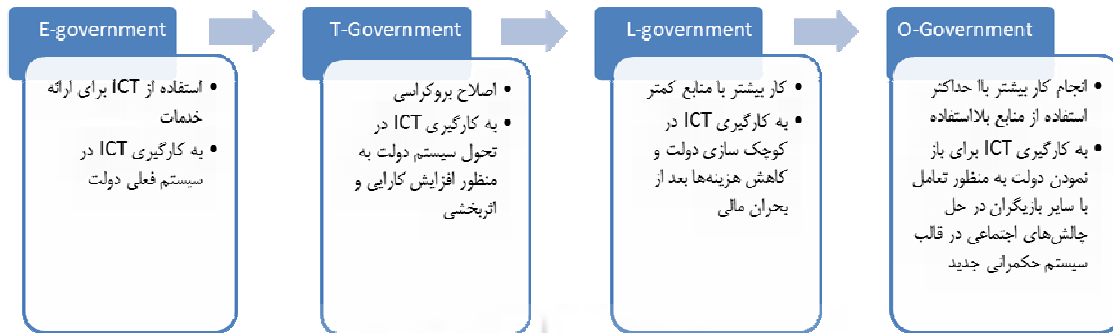
4. Dupont

6. Pope

8. Transformational Government (T-Government)

10. Open Government (O-government)

چابک، واکنشی دراماتیک به بحران مالی و اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بوده است. مسئله اصلی در این دوران، انجام کار بیشتر با منابع کمتر و همچنین آغاز حکمرانی بر مبنای پلتفرم با تمرکز ویژه بر نقش هماهنگ‌کنندگی دولت بوده است.



شکل ۳. چهار موج تحول در دولت الکترونیک

منبع: میلارد (۲۰۱۷)

مطابق رویکرد حکومت باز، عملیات مربوط به بخش عمومی، سیاست عمومی و خدمات عمومی باید بازتر، نوآورانه‌تر، کارآمدتر و مؤثرتر باشد. این، در حالی است که دولت نمی‌تواند به‌تنهایی مشکلات را برطرف کند و به‌عنوان یکی از بازیگران، به تعامل با سایر بازیگران نیاز دارد و برای این منظور، ابزار ICT، ابزار قدرتمندی هستند. حکمرانی باز مانند دولت چابک، به‌منظور حل مشکلات اجتماعی، شبکه بازیگران را هماهنگ می‌کند، اما برخلاف دولت چابک، به‌طور لزوم به کوچک شدن نیاز ندارد. به‌جای آن، به هماهنگی و حداکثر استفاده از منابع و دارایی‌های دست‌نخورده و مغفول مانده، تأکید دارد. بخش دولتی این کار را، هم در خود و هم در سطح جامعه انجام می‌دهد. بخش عمومی باید به‌طور منعطف، در مواقع لازم منبسط یا منقبض شود یا تغییر شکل دهد، سایر بخش‌ها را در مواقع و موارد و با اهداف مختلف تحت تأثیر قرار دهد و در تعامل و هماهنگی با سایر بازیگران، در حداکثرسازی ارزش عمومی و حتی خصوصی در سطح اجتماع ایفای نقش کند. به عقیده میلارد (۲۰۱۷: ۱۳)، دولت به‌مثابه پلتفرم به‌طور مستقیم از رویکرد حکمرانی باز نشئت گرفته و می‌تواند اهداف حکمرانی باز را محقق سازد. این مدل از دولت، برای بهبود نحوه عملکرد دولت و همچنین حل دوگانه سیاسی تمرکزگرایی و تمرکززدایی در مدل‌های ارائه خدمات عمومی توانایی بالقوه دارد (براون و همکاران، ۲۰۱۷). در نتیجه این ایده که باید بین دولتی که همه خدمات را خود ارائه می‌کند یا سپردن همه چیز به مردم، یکی را انتخاب کنیم، درست نیست. دولت به‌عنوان فراهم‌آورنده یک پلتفرم، می‌تواند به حداقل‌های ضروری تنزل یابد. فراهم‌کننده پلتفرم زیرساخت‌های مورد نیاز و سرویس‌های اصلی که نشان‌دهنده قدرت پلتفرم است را ایجاد می‌کند و توسعه‌دهندگان بیرون از خود را ترغیب می‌کند تا پلتفرم را برای ارائه خدمات بهتر توسعه دهند و خود بر رعایت قواعد کار نظارت می‌کند تا اطمینان یابد که سرویس‌ها به‌درستی با هم کار می‌کنند (اورایی، ۲۰۱۰: ۳۷).

پیشینه تجربی

جست‌وجوی دو عبارت «دولت به‌مثابه پلتفرم» و «مرور نظام‌مند» در پایگاه نورمگز، مگیران، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و ایرانداک نتیجه‌ای در بر نداشت. البته با جست‌وجوی عبارت «دولت به‌مثابه پلتفرم» به‌تنهایی، مقاله‌ای با عنوان «الگوی برای شناسایی پیش‌ران‌های کاربست مدل حکومت باز در دستگاه‌های اجرایی ایران (مورد مطالعه: وزارت کشور)» یافت شد. در این مقاله، دولت به‌مثابه پلتفرم، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کاربست حکومت باز شناسایی شده است (ابوالعالی، دانش‌فرد و پورعزت، ۱۳۹۹). جست‌وجوی انگلیسی این دو کلیدواژه Systematic Review و Government as a Platform در همه فیلدها در پایگاه Web of Science نیز نتیجه‌ای در بر نداشت. در نتیجه جست‌وجوی این دو کلیدواژه، در پایگاه Scopus نه مورد، در پایگاه Elsevier (Science Direct) سه مورد و Google Scholar ۴۸ مورد یافت شد. از بین موارد یافت‌شده، برای مثال، فالکو و کلینهانس^۱ (۲۰۱۸) به روش مرور نظام‌مند، ۱۱۳ پلتفرم دیجیتال مشارکتی را از ادبیات علمی و عملی در سراسر دنیا شناسایی کرده و با استفاده از نوع‌شناسی تعامل بین دولت‌ها و شهروندان، پلتفرم‌های شناسایی‌شده را دسته‌بندی و تحلیل کرده‌اند. این پژوهش، به بررسی پلتفرم‌های مشارکتی فعال کنونی در سراسر دنیا پرداخته و به مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم پرداخته است. کلارک^۲ (۲۰۱۸) نیز به ارائه نتایج مرور نظام‌مند ادبیات دولت دیجیتال از سال ۲۰۰۷ تاکنون پرداخته و برنامه‌های دولت دیجیتال در نظام‌های قضایی پیش‌رو در دنیا را از اواسط دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ تاکنون تجزیه و تحلیل کرده است. این پژوهش، با هدف بررسی ارتباط بین دولت دیجیتال و دولت به‌مثابه پلتفرم و همچنین مبانی فلسفی و نظری آن انجام شده است؛ اما در اصل، ادبیات دولت دیجیتال را به‌طور سیستماتیک مرور کرده است. از این رو، بررسی نتایج جست‌وجو نشان داد، مطالعات موجود شامل مواردی از مرور نظام‌مند از انواع و با اهداف و روش‌های مختلف است که با دولت به‌مثابه پلتفرم ارتباط موضوعی دارند؛ اما در خصوص مرور نظام‌مند با موضوع دولت به‌مثابه پلتفرم پژوهشی یافت نشد.

با بررسی پیشینه تجربی در خصوص سایر پژوهش‌ها (غیر از مرور سیستماتیک)، به نظر می‌رسد چهار دسته از پژوهش‌های مرتبط با دولت به‌مثابه پلتفرم طی سال‌های اخیر انجام شده است:

دسته نخست، پژوهش‌هایی هستند که متمرکز بر ایده‌پردازی، نظریه‌پردازی و توسعه مفهومی دولت به‌مثابه پلتفرم انجام شده‌اند. اورایی (۲۰۱۰) به معرفی مفهوم و اصول قابل استفاده برای دولت برگرفته از مدل‌های موفق کسب‌وکارهای پلتفرمی می‌پردازد و برخی ابعاد و مؤلفه‌های ایده خود را با عنوان درس‌هایی از کسب‌وکارهای موفق پلتفرمی تبیین می‌کند که عبارت‌اند از: باز بودن، سادگی، مشارکت، یادگیری از هکرها (استفاده‌کنندگان)، داده‌کاوی، آزمایش و هدایت با استفاده از نمونه‌ها. لیندرز^۳ (۲۰۱۲)، از این مفهوم به‌عنوان یکی از روش‌های هم‌آفرینی^۴ دولت و مردم در عصر شبکه‌های اجتماعی یاد می‌کند و آن را به رابطه از دولت به مردم (G2C) محدود می‌کند. ریپونن (۲۰۱۷)، به نقش تحول‌زای پلتفرم‌ها در دنیای امروز تأکید کرده و به قابلیت مهم پلتفرم‌ها اشاره می‌کند که به سازمان‌ها امکان

1. Falco & Kleinhans
3. Linders

2. Clarke
4. Co-Production

ایجاد اکوسیستمی را می‌دهد تا بتوانند تخصص‌های مختلف را از بیرون از خود به کار گیرند. وی، با ارائه چارچوبی، عوامل مؤثر بر قابلیت جذب مشارکت‌کنندگان در پلتفرم‌ها را در چهار بخش زیرساخت پشتیبان، طراحی پلتفرم، مزایای پلتفرم و مشوق‌های مشارکت نشان می‌دهد.

دسته دوم پژوهش‌ها، در خصوص مفهوم پلتفرم در دولت و ارائه خدمات عمومی با عناوین دیگری بحث کرده‌اند. یانسن و استیوز (۲۰۱۳)، با استفاده از مفهوم دولت چابک، چارچوبی ارائه کردند که نشان‌دهنده بازیگران اکوسیستم پلتفرم شامل سازمان‌های دولتی، بخش دولتی متولی زیرساخت فنی پلتفرم، بخش خصوصی و توسعه‌دهندگان پلتفرم، سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان و کاربران عمومی پلتفرم و ارتباط آنها با هم است. یانوسکی، استیوز و باگوما^۱ (۲۰۱۸)، با ارائه چارچوبی، علاوه بر تبیین پارادایم‌های حکمرانی بروکراتیک، مصرف‌گرایی و مشارکت، به معرفی پارادایم چهارمی از حکمرانی با عنوان «حکمرانی پلتفرم» می‌پردازد و انواع روابط بین شهروند - اداره شامل اداره، مشارکت، مشروعیت‌بخشی، انتشار، هدایت، توانمندسازی، نظارت، تعامل، خدمت‌دهی، یادگیری، هماهنگی، همکاری، تولید و تنظیم‌گری را نشان می‌دهد.

دسته دیگری از پژوهش‌ها، به دولت به‌مثابه پلتفرم به‌عنوان مفهومی ذیل یا در ارتباط با سایر مفاهیم مثل حکومت باز، دولت دیجیتال، شهر هوشمند و ... پرداخته‌اند. به اعتقاد مک براید (۲۰۱۷)، دولت می‌تواند با ارائه داده‌های باز دولتی، مانند یک پلتفرم عمل کند، به طوری که به دیگران اجازه دهد تا از این داده‌های عمومی استفاده و بهره‌برداری کرده و آنها را تجزیه و تحلیل کنند و از طریق ارائه خدمات نوآورانه و مشارکتی، موجب خلق ارزش عمومی و توانمندسازی مردم شود. کلارک (۲۰۱۸) نیز با بررسی مدل‌های مختلف دولت دیجیتال به بررسی برخی ابعاد و مولفه‌های دولت به‌مثابه پلتفرم پرداخته است. هایرول عثمان و رازالی^۲ (۲۰۱۸) عوامل فنی و غیرفنی مؤثر بر دولت به‌عنوان یک کل^۳ را شناسایی کرده‌اند. عوامل غیرفنی یافت‌شده در این پژوهش عبارت‌اند از: خدمات مبتنی بر کاربر، CIO و رهبری، خدمات و خط‌مشی یکپارچه، مسائل سیاسی، بودجه، سازمان‌دهی، هماهنگی و همکاری. عوامل فنی نیز عبارت‌اند از: زیرساخت، تعامل‌پذیری^۴، امنیت و اعتماد، داده انبوه و ابزارهای تحلیل. دلیل اهمیت این پژوهش این است که این رویکرد با رویکرد دولت به‌مثابه پلتفرم ارتباط بسیار نزدیکی دارد، به طوری که در برخی منابع (لمسون، ۲۰۱۷)، از آن به‌عنوان یکی از اشکال دولت به‌مثابه پلتفرم یاد می‌شود. همچنین به دولت به‌مثابه پلتفرم در حوزه شهر هوشمند نیز توجه شده است. بارنز (۲۰۱۸) نشان داده است که صرف سرمایه‌گذاری بر حسگرهای فراگیر و راه‌حل‌های فناورانه، نمی‌تواند هدف شهر هوشمند در استفاده از مزایای خدمات دیجیتال برای بهبود عملکرد شهرها را محقق سازد، بلکه مستلزم بازآفرینی در حکمرانی است که شامل تحول در نحوه عملکرد سیستم شهری در داخل خود و به‌همراه شهروندان و شرکای بیرونی می‌شود. مدل دولت به‌مثابه پلتفرم در حکمرانی عصر دیجیتال چنین امکانی را فراهم می‌آورد. وی با برشمردن انواع پلتفرم‌های داده شهری، برای انتشار و مدیریت داده‌های شهری دستورکارهای مختلفی را پیش روی مدیریت شهری قرار

1. Janowski, Estevez, & Baguma
3. Government as a whole

2. Hairul Othman & Razali
4. Interoperability

می‌دهد؛ مثل، دستور کار حکومت باز با تکیه بر ایده دولت به‌مثابه پلتفرم. اکاتکین و یاسینووسکایا^۱ (۲۰۱۹) نیز از عبارت «دولت دیجیتال به‌مثابه پلتفرم» استفاده می‌کنند و بر این مبنا با نگاهی داده‌محور مدلی برای خدمات دیجیتال به شهروندان و کسب‌وکارها ارائه می‌دهند. آنها معتقدند که دولت دیجیتال در حال توسعه به‌صورت پلتفرم است، به‌طوری که روابط دولتی - خصوصی را در راستای خلق خدمات و برنامه‌های کاربردی نوآورانه سوق دهد. ضمن اینکه آنها محوریت این پلتفرم را داده می‌دانند.

دسته چهارم پژوهش‌ها، پژوهش‌های تجربی هستند که به بررسی انواع مدل‌های عملی مفهوم، الگوها و رویکردهای مختلف به‌کارگیری مفهوم و تجربیات کشورهای مختلف در پیاده‌سازی مفهوم و همچنین گزارش‌های شرکت‌ها و مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی پرداخته‌اند. براون و همکاران (۲۰۱۷)، در یکی از پژوهش‌های پراچاج در حوزه دولت به‌مثابه پلتفرم، به بررسی ابعاد فنی و اقتصادی دولت به‌مثابه پلتفرم به‌همراه گونه‌شناسی راهبردهای پلتفرمی دولت‌ها می‌پردازند و برای ارزیابی برنامه‌های پلتفرمی دولت انگلستان در دو بازه ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۰ و ۲۰۱۰ به بعد، چارچوبی شامل ساختار معماری، پویایی بازار و شکل سازمانی را معرفی می‌کنند. این چارچوب، برخی تفاوت‌ها بین نحوه اجرای دولت به‌مثابه پلتفرم در این دو دوره را نشان می‌دهد و نقدهایی بر شیوه فعلی دولت انگلستان یعنی تأکید آن بر ساخت پلتفرم‌های فناورانه برای دولت در مقایسه با ادبیات این مفهوم مطرح می‌کند. مارگتر و نومان (۲۰۱۷)، با بررسی تطبیقی دو کشور استونی و انگلستان بر مبنای هفت اصلی که اورایی ارائه کرده، معتقد هستند که رویکرد استونی به آنچه مد نظر اورایی از دولت به‌مثابه پلتفرم بوده نزدیک‌تر است. بر اساس این پژوهش، باز بودن، سادگی، مشارکت و یادگیری از استفاده‌کنندگان در روش اجرایی استونی بیشتر مد نظر قرار گرفته است؛ روشی که به یک مدل هدایت مرکزی، منطقی و بهره‌مند از داده و رهبری پایدار منجر شده است. در مقابل، مدل انگلستان بیشتر از اصول غیررسمی‌تر آزمایش، یادگیری از استفاده‌کنندگان و داده‌کاوی استفاده کرده و در اصول باز بودن، سادگی و مشارکت ضعیف عمل کرده است و در حال حاضر نیز با مشکل رهبری روبه‌روست. گیل‌گارسیا، هنمن و ماراویلا^۲ (۲۰۱۹)، با اشاره به وجود مفهوم‌سازی‌های مختلف در خصوص دولت به‌مثابه پلتفرم توسط پژوهشگران و مجریان و ذکر این مورد که این مدل می‌تواند مرحله بعدی در دولت دیجیتال باشد، تعدادی از ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم شامل معماری سراسری دولتی، ماژولار بودن، طراحی شهروند - محور، مشارکت باز، شبکه همکاری، مدل همکاری منعطف، برنامه‌ریزی‌پذیری، استانداردهای باز و ترغیب به آزمایش را استخراج کرده و با توجه به محدودیت پژوهش خود، به بررسی سه ویژگی نخست در سه کشور انگلستان، آمریکا و استرالیا پرداخته‌اند. موخوپادیا و همکاران (۲۰۱۹)، به‌دنبال یافتن نقش پلتفرم‌های دولتی در حل مسئله کارآمدی ارائه خدمات دولتی به فقرا، به‌خصوص نیاز به مقیاس‌پذیری خدمات به‌دلیل جمعیت زیاد این خدمت‌گیرندگان در هندوستان، با معرفی برخی ویژگی‌های رویکرد دولت به‌مثابه پلتفرم از طریق مطالعه موردی، نقش آن را در افزایش مقیاس‌پذیری خدمات الکترونیک در پلتفرم احراز هویت «آدهار» بررسی کردند و تجربیات

1. Akatkin & Yasinovskaya
2.

2. Gil-Garcia, Henman & Maravilla

عملی موفق را برشمردند. در خصوص تجربه پیاده‌سازی دولت به‌مثابه پلتفرم، در سایر کشورها از جمله روسیه (پتروف، بوروف، شکلیاروک و شاروف^۱، ۲۰۱۸)، کره جنوبی (یانگ، کیم و ییم^۲، ۲۰۱۹) و سوئد (پروژه دولت دیجیتال سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، ۲۰۱۸)، نیز پژوهش‌ها و گزارش‌های ملی و بین‌المللی دیگری وجود دارد. همچنین، می‌توان به برخی گزارش‌های شرکت‌ها و مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی نیز اشاره کرد. برای مثال، شرکت فوجیتسو در پژوهشی به بررسی نحوه ارتباط و دسترسی شهروندان به خدمات دولتی بر مبنای پلتفرم‌های متعدد در سازمان‌های مختلف دولتی در انگلستان پرداخته است. این گزارش نشان می‌دهد، مسئله مهم در طراحی خدمات دولتی این است که چطور از زیرساخت‌ها و مدل‌های اشتراکی در سطح دولت استفاده بیشتری شود (فوجیتسو، ۲۰۱۵). چند سال است که مؤسسه اکسنچر نیز در مجموعه گزارش‌هایی به تبیین و ترویج دولت به‌مثابه پلتفرم و همچنین مشاوره در خصوص پیاده‌سازی آن می‌پردازد (اکسنچر، ۲۰۱۶). شایان ذکر است، گزارش ارزیابی شاخص آمادگی دولت به‌مثابه پلتفرم مؤسسه اکسنچر (۲۰۱۸)، کشورها را در مسیر خود در راستای توسعه اقتصادی و نوآوری خدمات عمومی از طریق دولت به‌مثابه پلتفرم، رتبه‌بندی و ارزیابی کرده است. مؤسسه اکسنچر، تعیین کرده است که کدام عوامل (فاکتورها) برای پیاده‌سازی دولت به‌مثابه پلتفرم در عمق و مقیاس، نقش حیاتی و پیش‌برنده ایفا می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از نوع پژوهش‌های بنیادی به روش کیفی بوده و شیوه انجام آن، مرور نظام‌مند ادبیات با رویکرد فراترکیب است. برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و از طریق مرور نظام‌مند ادبیات، منابع مناسب پالایش و انتخاب شده‌اند. در نهایت، با تحلیل داده‌ها به روش فراترکیب و کدگذاری، چارچوب مفهومی مد نظر احصا و تدوین شده است. شایان ذکر است، برخی پژوهش‌ها، به‌خصوص مقالات داخلی، فراترکیب را رویکرد اصلی پژوهش قرار داده و بر مبنای روش هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، مرور نظام‌مند ادبیات را به‌عنوان یکی از گام‌های فراترکیب معرفی و اجرا کرده‌اند (دقتی، یعقوبی، کمالیان و دهقانی، ۱۳۹۸؛ سرعتی، باباشاهی، یزدانی و کریمی، ۱۳۹۷ و مانیان، موسی‌خانی، حسن‌زاده و جامی‌پور، ۱۳۹۳). از طرفی، در برخی دیگر از پژوهش‌ها، به‌خصوص مقالات خارجی، به مجموعه این مراحل مرور نظام‌مند اطلاق شده و در مرحله تحلیل داده‌ها از روش‌های مختلف تحلیل کمی و کیفی از جمله فراترکیب استفاده می‌شود (هامپفریز، جانسون، ریچاردسون، استنهاس و واتکینس^۴، ۲۰۰۷؛ کیتچنهام^۵، ۲۰۰۴؛ موهر، لیبراتی، تتزلاف، آلتمن و گروه پریزما^۶، ۲۰۰۹ و روهلانت^۷، ۲۰۱۸). این پژوهش مبتنی بر مراحل مرور نظام‌مند انجام شده و در مرحله تحلیل و ترکیب یافته‌ها از رویکرد فراترکیب استفاده شده است.

1. Petrov, Burov, Shklyaruk & Sharov
3. OECD Digital Government Project
5. Kitchenham
7. Ruhlandt

2. Yang, Kim & Yim
4. Humphreys, Johnson, Richardson, Stenhouse & Watkins
6. Moher, Liberati, Tetzlaff, Altman & PRISMA Group

انجام پژوهش‌های مروری به روشی نظام‌مند، به‌طور عمده با هدف ترکیب پژوهش‌های اولیه و ایجاد تصویر بزرگی از دانش موجود در موضوعی خاص و همچنین یافتن تفاوت‌ها و تنوع‌ها در نتایج پژوهش‌های مختلف و پیدا کردن دلایل این تفاوت‌ها استفاده می‌شود. مسئله بسیار مهم در مرور نظام‌مند، جامعیت و حصول اطمینان از پوشش دادن مناسب منابع است (کشتکار، ۱۳۹۶). در راستای تحلیل و جمع‌بندی نتایج پژوهش‌ها، برای ترکیب داده‌های کیفی می‌توان از فراترکیب^۱ استفاده کرد (هامپفریز و همکاران، ۲۰۰۷). مرور نظام‌مند با تعریف یک پروتکل مرور آغاز می‌شود. با توجه به قلمرو موضوعی دولت به‌مثابه پلتفرم و اینکه فقط مرور نظام‌مند ادبیات مد نظر است، در این پژوهش، از فرایندی استفاده می‌شود که کیتچنهام ارائه کرده است. پروتکل انجام مرور نظام‌مند در این مقاله عبارت است از: ۱. طراحی پرسش‌های پژوهش بر اساس اهداف و مسائل، ۲. شناسایی منابع اطلاعاتی، ۳. فرایند ارزیابی و انتخاب منابع (پژوهش‌ها)، ۴. ارزیابی کیفیت منابع (پژوهش‌ها)، ۵. استخراج داده‌ها و ۶. تحلیل یافته‌ها بر اساس پرسش‌های پژوهش (کیتچنهام، ۲۰۰۴).

این پژوهش، بر اساس مسئله و هدف تعیین‌شده، به‌دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم چیست و چه ویژگی‌هایی برای این مفهوم قابل شناسایی است؟

۲. برداشت‌های مختلف از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم چیست و شامل چه ویژگی‌هایی است؟

در مرحله شناسایی^۲، به‌منظور تحقق جامعیت جست‌وجو با موضوع دولت به‌مثابه پلتفرم تلاش شده تا محدوده جست‌وجوی منابع (پایگاه‌های اطلاعاتی)، گسترده‌تر در نظر گرفته شود، به‌طوری که از اکثر کتابخانه‌های دیجیتال و پایگاه‌های داده آنلاین استفاده شود. به این ترتیب در پایگاه‌های نمایه‌سازی استنادی Scopus، Web of Science و Ebsco و همچنین پایگاه‌های Jstor، Elsevier، Wiley، Sage، Springer و Proquest جست‌وجو انجام گرفت. از طرفی، طی دو سال اخیر، مقالات و کتاب‌ها و همچنین مقالات کنفرانس‌ها، پایان‌نامه‌های بین‌المللی، گزارش‌ها و مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی و گزارش‌های رسمی دولتی، از طریق جست‌وجوی دستی در گوگل و اعلان‌های اتوماتیک Researchgate و Google Scholar (با عبارات جست‌وجوی government as a platform و government platform) شناسایی و جمع‌آوری شده و پژوهشگر آنها را در قالب نرم‌افزار مدیریت منابع علمی مندلی^۳ ذخیره و دسته‌بندی کرده است. بدیهی است، تعداد زیادی از منابعی که از دو مسیر بیان شده یافت شده‌اند، تکراری بوده و در مرحله غربالگری حذف شده‌اند.

مرور نظام‌مند باید مطابق با استراتژی جست‌وجوی از پیش تعیین‌شده‌ای انجام شود. در این روش استراتژی جست‌وجو مستندسازی می‌شود تا خوانندگان بتوانند دقت و کامل بودن آن را ارزیابی کنند، استراتژی جست‌وجو باید اجازه ارزیابی کامل بودن جست‌وجو را بدهد (کیتچنهام، ۲۰۰۴). به‌منظور جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های داده (موارد بالا) از عبارت «Government as a Platform» در همه فیله‌ها (عنوان، کلیدواژه، چکیده، متن و فهرست منابع) استفاده شده است. در ضمن، برای جامعیت هرچه بیشتر جست‌وجو، در پایگاه web of Science علاوه بر عبارت Government as

a Platform در همه فیلدها، عبارت Government and Platform نیز در فیلد عنوان جست‌وجو شده است. گفتنی است، از عبارت مخفف «GaaP»، به دلیل مشابهت با عبارت GAAP^۱ که در رشته حسابداری به آن پرداخته می‌شود، صرف نظر شده است.

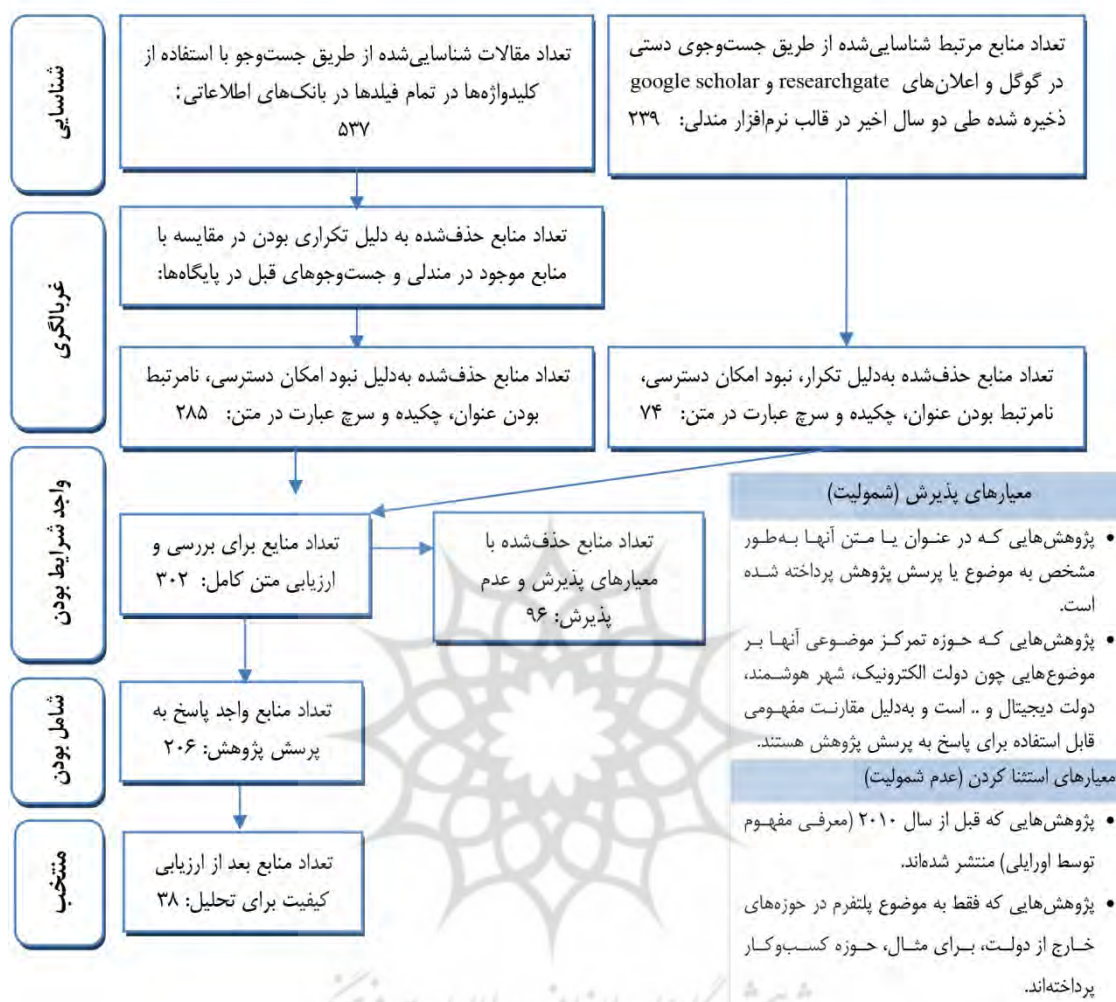
همان‌طور که در پیشینه پژوهش نیز اشاره شد، علاوه بر اینکه مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم، خود، موضوع تعدادی از پژوهش‌ها بوده است، در منابع و پژوهش‌های مختلفی با موضوع‌هایی چون دولت دیجیتال، شهر هوشمند، دولت باز، حکمرانی باز، حکمرانی الکترونیک و غیره به‌صورت یک فصل یا یک بخش بررسی شده است. در موارد بسیاری نیز فقط به آن اشاره شده و به بعضی تعاریف و ویژگی‌های آن پرداخته شده است. بنابراین، در مرحله نخست تلاش شده تا هیچ منبع مرتبطی نادیده گرفته نشود. در خصوص تاریخ انتشار پژوهش‌ها، از آنجا که ایده دولت به‌مثابه پلتفرم از سال ۲۰۱۰ برای نخستین بار مطرح شده، نتایج جست‌وجوی مربوط به بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ بررسی شده است. در این مرحله ۷۷۶ منبع شناسایی و ثبت شدند.

فرایند ارزیابی و انتخاب از میان منابع گردآوری شده در نرم‌افزار مندلی و منابع حاصل از جست‌وجو در پایگاه‌های داده، در چند مرحله صورت گرفت. در مرحله غربالگری^۲ نتایج جست‌وجو در هر پایگاه داده در صورت تکراری بودن در مقایسه با منابع جمع‌آوری شده در مندلی و همچنین نتایج جست‌وجو در پایگاه‌های قبلی حذف شدند. همچنین منابعی که به دلیل نبود امکان دسترسی به متن کامل آنها، قابل ارزیابی و استفاده در مراحل بعد نبودند، حذف شدند. سپس با بررسی عنوان، چکیده و جست‌وجوی عبارت در متن کامل نتایج جست‌وجو، منابع نامرتب حذف شدند. در ضمن، منابع غیرانگلیسی و منابع خارج از قالب مقالات مجلات، مقالات کنفرانس‌ها، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌های بین‌المللی، گزارش نهادها و مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی و گزارش‌های رسمی دولتی مانند مقالات روزنامه‌ها، سایت‌ها، مصاحبه‌ها و مانند آنها نیز از فرایند ارزیابی حذف شدند. در نتیجه، منابع شناسایی شده، پس از مرحله غربالگری به ۳۰۲ منبع کاهش یافت.

در مرحله بررسی واجد شرایط بودن^۳ (شامل بودن)، با بررسی متن کامل منابع انتخاب‌شده در مرحله غربالگری، تعدادی از منابع به دلیل تطابق نداشتن با معیارهای پذیرش، به‌خصوص نامرتب بودن با پرسش پژوهش حذف می‌شوند. برای این کار، می‌بایست معیارهای پذیرش^۴ (شمولیت) و استثنا کردن^۵ (عدم شمولیت) به‌طور دقیق مشخص شوند. هدف از شناسایی معیارها، مشخص کردن منطقی برای انتخاب منابع پژوهش از میان انبوه منابع موجود است، به‌نحوی که طی فرایند اجرای مرور نظام‌مند به انتخاب منابع مطلوب برای بررسی کامل منابع در راستای یافتن سؤال‌های پژوهش منجر شود. در مرحله ارزیابی واجد شرایط بودن پس از اعمال معیارهای پذیرش و عدم پذیرش، (شکل ۴) تعداد منابع به ۲۰۶ منبع کاهش یافت.

1. Generally Accepted Accounting Principles
3. Eligibility
5. Exclusion Criteria

2. Screening
4. Inclusion criteria



شکل ۴. جریان اطلاعات در فرایند مرور سیستماتیک

الهام گرفته از: موهر و همکاران (۲۰۰۹)

همه منابع بررسی شده از مرحله غربالگری به بعد، در نرم‌افزار مدیریت و سامان‌دهی منابع مندلی ذخیره‌سازی و دسته‌بندی شدند تا در همه مراحل پژوهش، دسترسی به فهرست، مطالعه و ارجاع آنها راحت‌تر باشد. این منابع به‌طور هم‌زمان، با هدف طراحی فرم‌هایی برای ثبت دقیق اطلاعات مستخرج از پژوهش‌ها و ارزیابی منابع، در نرم‌افزار اکسل نیز وارد شدند. در این جدول‌ها، اطلاعاتی همچون عنوان پژوهش، نویسنده، سال انتشار، نام منبع انتشار، تعداد ارجاعات به پژوهش، کیفیت منبع انتشار، روش‌شناسی پژوهش، سؤال‌ها و اهداف، یافته‌های اصلی، ارتباط با سؤال‌های پژوهش حاضر، دلایل شمول یا عدم شمول و غیره تا حد امکان و با جزئیات هرچه بیشتر برای استفاده در ارزیابی منابع و همچنین ارائه تحلیل‌های مربوط به پژوهش‌های پیشین ثبت شدند.

در مرحله آخر مرور نظام‌مند، به شاخص‌های ارزیابی کیفیت توجه شد که عبارت‌اند از: ۱. اعتبار پایگاه داده (نمایه شدن در پایگاه‌های معتبر)، ۲. اعتبار مجله منتشرکننده (CS و IF) تعداد ارجاع‌ها (Citation) در خصوص مقالات، ۳. اعتبار نویسنده و انتشارات در خصوص کتاب (مشهور بودن در حوزه تخصصی)، ۴. اعتبار مؤسسه یا سازمان بین‌المللی در رابطه با گزارش‌های رسمی و بین‌المللی، ۵. اعتبار دانشگاه در رابطه با پایان‌نامه‌ها و ۶. تصریح یا تخصیص موضوع به «دولت به‌مثابه پلتفرم» (و نه فقط پرداختن به موضوع در بخشی از آن). اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی کیفیت^۱ در جداول استخراج داده‌ها (در اکسل)، برای هر یک از منابع درج و ثبت شده و در سه سطح خوب، متوسط و ضعیف نمره‌دهی شدند. گفتنی است که در این مرحله، علاوه بر پژوهش‌های حائز نمره در سطح خوب، منابعی که به‌طور مشخص و صریح در عنوان، از عبارت دولت به‌مثابه پلتفرم برخوردار بودند نیز به‌منظور استفاده از حداکثر منابع موجود و لزوم تحقق جامعیت، بررسی و تجزیه و تحلیل شدند. در نتیجه، از بین ۲۰۶ منبعی که واجد معیارهای پذیرش تشخیص داده شدند، در نهایت ۳۸ مورد برای تحلیل کیفی و کدگذاری انتخاب و استفاده شدند.

منابع منتخب شامل نه مقاله با ارجاع‌های زیاد منتشرشده در مجلات معتبر بین‌المللی با ضریب تأثیر بالا به‌خصوص GIQ^۲، نه کتاب و فصل کتاب به‌طور عمده از افراد و پژوهشگران سرشناس در این حوزه به‌خصوص از صاحب‌ایده و افرادی که به‌طور عملی در پیاده‌سازی مفهوم دخیل بوده‌اند، چهار پایان‌نامه از دانشگاه‌های معتبر در کشورهایی که به این مفهوم در آنها توجه شده است، مانند استونی، فنلاند و ایالات متحده، شش مقاله منتشرشده در کنفرانس‌های معتبر در حوزه فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک و ده گزارش رسمی و بین‌المللی شامل گزارش‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، شرکت‌های بین‌المللی مثل فوجیتسو و اکسنچر و گزارش‌های مؤسسه‌های ملی کشورهای انگلستان، نیوزلند، روسیه، کره جنوبی و ایالات متحده است (لیست منابع منتخب در انتهای بخش فهرست منابع درج شده است).

تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل خلاصه‌سازی و مرتب‌سازی نتایج حاصل از پژوهش‌های اولیه منتخب در فرایند مرور سیستماتیک است (کیتچنهام، ۲۰۰۴). تحلیل داده می‌تواند به‌صورت کمی (فراتحلیل) یا توصیفی (کیفی) باشد (پتیکرو و رابرتس^۴، ۲۰۰۶). در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها، رویکرد فراترکیب انتخاب شده است. فراترکیب برای پژوهشگران رویکردی نظام‌مند فراهم می‌کند تا بتوانند پژوهش‌های کیفی را با هم ترکیب کرده و با کشف مفاهیم و استعاره‌های نهفته در آنها، دانش فعلی را توسعه داده و تصویری گسترده و جامع ایجاد کنند (سیاو و لونگ^۵، ۲۰۰۵). برای این منظور، از کدگذاری باز به‌معنای اختصاص کد یا تم به جملات و ایجاد مفاهیم از ترکیب کدها و ایجاد مقوله‌ها از ترکیب مفاهیم برای ایجاد تصویر کلی و کلان از مفهوم مورد مطالعه، استفاده شده است.

در این پژوهش، منابع منتخب (۳۸ منبع) به نرم‌افزار Atlasti ۷.۵.۱۸ انتقال داده شدند تا از این طریق، مراحل استخراج، تحلیل و ترکیب داده‌های محتوایی صورت گیرد. ابتدا، جملات و عبارت‌های مرتبط با سؤال پژوهش در هر منبع انتخاب شده و برای هر یک کدگذاری صورت گرفت. بدین ترتیب، این کدها پس از دسته‌بندی و ترکیب، به‌طور

1. Quality Assessment
3. OECD
5. Siau & Long

2. Government Information Quarterly
4. Petticrew & Roberts

تدریجی و طی چندین مرحله، اصلاح و بهینه‌سازی شدند و مفاهیم پژوهش شکل گرفت. شایان ذکر است، از آنجا که پژوهش‌های مرور سیستماتیک به‌طور معمول توسط گروه‌های پژوهشی انجام شده و ارزیابی منابع و استخراج داده‌ها در تعامل بین اعضای تیم پژوهش انجام می‌شود و نتایج با هم مقایسه شده و موارد اختلاف نظر از طریق مباحثه رفع می‌شود (کیتچنهام، ۲۰۰۴)، در این پژوهش نیز، اعضای تیم پژوهش، در رابطه با تمامی مراحل، از مرور و غربالگری منابع تا استخراج کدها و تحلیل یافته‌ها، طی چندین مرحله و به‌طور رفت‌وبرگشتی، بحث و بررسی کرده و در خصوص آنها به توافق رسیدند و آنها را تأیید کردند. در فرایند کدگذاری، بیش از هفتصد کد استخراج شدند که طی مراحل تحلیل، تعدادی از کدها حذف، ترکیب یا تفکیک شدند و در نهایت ۶۲۹ کد (شامل ۳۲۱ کد غیر تکراری) استخراج شدند. از دسته‌بندی و تجمیع کدها تعداد ۲۹ مفهوم اصلی شکل گرفت. در نهایت، مفاهیم با توجه به جنس، با عنوان سه مقوله دسته‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

بررسی مقالات در فرایند غربالگری مرور نظام‌مند و مطالعه کامل مقالات منتخب نشان داد که اصطلاح «دولت به‌مثابه پلتفرم» یا «GaaP» که در مواقعی از آن با عنوان «دولت ۲/۰»^۱ نیز یاد می‌شود (اورایلی، ۲۰۱۰ و بارنز، ۲۰۱۸)، در کنار مفاهیمی چون دولت چابک (یانسن و استیوز، ۲۰۱۳)، عناوینی هستند که به مفهوم کلیدی پلتفرم در مدل جدید ارائه خدمات دولت تأکید دارند. با وجود این، در برخی از پژوهش‌های دیگر نیز به‌طور مستقیم یا ضمنی به این مفهوم اشاره شده و از آن استفاده شده است، به‌طوری که در مواردی این مفهوم به‌عنوان یکی از عناصر مفاهیم دیگر مانند دولت دیجیتال^۲ (کتسونیس، ۲۰۱۵) یا حکومت باز (میلارد، ۲۰۱۵) یا به‌عنوان نسل جدید دولت دیجیتال (لمکه، ۲۰۱۸) در نظر گرفته شده است. همچنین، از دولت به‌مثابه پلتفرم گاهی به‌عنوان یک مفهوم^۳ (موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹)، پارادایم (یانوسکی و همکاران، ۲۰۱۸)، استعاره^۴ (کمیسون اروپا، ۲۰۱۶ و اورایلی، ۲۰۱۰)، تفکر (ایوز و همکاران، ۲۰۱۹؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷ و اورایلی، ۲۰۱۰)، رویکرد^۵ (میلارد، ۲۰۱۷ و موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹)، تصور^۶ (بارنز، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷ و فان‌هاسترت^۷، ۲۰۱۶)، مدل حکمرانی (مارگتر و نومن، ۲۰۱۷ و براون و همکاران، ۲۰۱۷)، ابزار (لمکه، ۲۰۱۸)، مکتب فکری (پاولین^۸، ۲۰۱۹) و غیره نیز یاد شده است.

نکته شایان توجه دیگر این است که در عمل، از ایده اصلی دولت به‌مثابه پلتفرم که تیم اورایلی ارائه کرده است، برداشت‌ها و تفاسیر مختلفی شده است. این تفاوت را می‌توان در نحوه به‌کارگیری مفهوم در کشورهای چون آمریکا، استونی، کانادا، استرالیا، انگلستان و غیره، به‌خوبی مشاهده کرد. به‌طوری که در مدل دولت به‌مثابه پلتفرم استفاده‌شده در انگلستان و برخی کشورهای دیگر، به‌جای تمرکز بر نوآوری‌های دیجیتال مبتنی بر منابع بیرونی، به نوآوری دیجیتال

1. Government 2.0
3. Katsonis
5. Concept
7. Approach
9. Van-Haastert

2. Digital Government
4. Lemke
6. Metaphor
8. Notion
10. Paulin

مبتنی بر منابع دولتی توجه شده است. در مدل اولیه اوراییلی که در سال ۲۰۱۰ مطرح شد، دولت به‌مثابه یک پلتفرم باز برای ارائه داده و API مد نظر بود که برای دیگران در بیرون از دولت، امکان نوآوری و توسعه راه‌حل‌هایی برای مشکلات اجتماعی را فراهم می‌کرد، در حالی که در مدل استفاده‌شده در انگلستان، دولت به‌مثابه پلتفرم به‌عنوان مدلی از حکمرانی تفسیر شد که در آن یک اداره مرکزی^۱ متولی توسعه پلتفرم‌های اشتراکی است؛ پلتفرم‌هایی که فراهم‌کنندگان تجاری بیرونی، می‌توانستند در آن به نوآوری بپردازند، اما استفاده‌کننده‌های اولیه و اصلی این پلتفرم‌ها، خود ادارات دولتی ارائه‌کننده خدمات هستند (کلارک، ۲۰۱۸).

با وجود این، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها در این پژوهش شامل کدها و مفاهیم، ما را به شناخت ویژگی‌هایی از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم رساند که به توصیف، تصویر و صورت‌بندی جدید و جامع‌تری از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم منتج می‌شود. کدها، منابع و مفاهیم (ویژگی‌های) شناسایی‌شده در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مفاهیم (ویژگی‌ها) دولت به‌مثابه پلتفرم

منابع	کدها	مفاهیم (ویژگی‌ها)
اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹؛ آل‌نسی، ۲۰۱۷؛ بارنز، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵، ۲۰۱۸؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ ایوز و همکاران، ۲۰۱۹؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ گرام‌هانسن ^۲ ، ۲۰۱۷؛ یانوسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ جرا ^۳ ، ۲۰۱۷؛ لِمکه، ۲۰۱۸؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۳، ۲۰۱۷؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰، ۲۰۱۷؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛ ریپون، ۲۰۱۷	بازبودن (۲۴ کد) داده (حکومتی) و API باز (۲۶ کد) زیرساخت و پلتفرم باز (۹ کد) مشارکت، فرایند و خدمات باز (۷ کد) نرم‌افزار و سیستم منبع باز (۱۶ کد) استاندارد باز (۲۹ کد)	باز بودن (Openness)
بارتلت ^۴ ، ۲۰۱۸؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ گرینوی، ۲۰۱۵؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ میلارد، ۲۰۱۳؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پاولین، ۲۰۱۹؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛ ریپون، ۲۰۱۷	ساختار و طراحی ماژولار، ماژولار بودن و سرویس‌های ماژولار (۲۲ کد)	پودمانی (ماژولار بودن) (Modularity)
براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ ایوز و همکاران، ۲۰۱۹؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ گرینوی، ۲۰۱۵؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۳؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پوپ، ۲۰۱۹	ساختار بلوکی، شکستن سیلوها به بلوک‌ها و ساختار لگومانند (۱۱ کد)	ساختار بلوکی (Block Structure)
اکسنچر، ۲۰۱۶؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لِمکه، ۲۰۱۸؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ ریپون، ۲۰۱۷	اثر شبکه‌ای، همکاری شبکه‌ای، نوآوری شبکه‌محور، حجم مبنا و فعالیت شبکه‌ای (۱۳ کد)	خاصیت اثر شبکه‌ای (Network Effect)

1. Government Digital Service (GDS)
3. Jera

2. Gram-Hansen
4. Bartlett

ادامه جدول ۲

منابع	کدها	مفاهیم (ویژگی‌ها)
اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ OECD، ۲۰۱۸؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸	دولت داده‌بنیان، نوآوری و خدمات داده‌محور، دولت دانا و هوشمند مبتنی بر داده، رویکرد داده محور، محوریت داده، مشارکت داده‌بنیان و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده (۱۹ کد)	داده‌بنیانی / داده‌محوری (Data-driven \ Data-centricity)
اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ ایوز و همکاران، ۲۰۱۹؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ میلارد، ۲۰۱۳؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ OECD، ۲۰۱۸؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹	اشتراک‌گذاری منابع، اشتراک‌گذاری داده، اشتراک‌گذاری زیرساخت و امکانات و اشتراک‌گذاری خدمات و سرویس (۲۹ کد)	اشتراک‌گذاری (Sharing)
بارتلت، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ ریونن، ۲۰۱۷	شهروندمحوری، رویکرد و طراحی شهروند محور، اصل بودن شهروند و نیاز شهروند، خدمات شهروندمحور و خودسازمان‌دهی شهروندان (۱۹ کد)	شهروندمحوری
اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹؛ آلانی، ۲۰۱۷؛ بارتلت، ۲۰۱۸؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ جرا، ۲۰۱۷؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۷؛ OECD، ۲۰۱۸؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پاولین، ۲۰۱۹؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹	فرهنگ و عقیده مشتری‌مداری، رویکرد مشتری‌محوری، طراحی برای راحتی استفاده مشتری، تمرکز بر نیاز کاربر، بازارمحوری و پرتال‌های داده مشتری‌محور (۳۴ کد)	کاربر / مشتری‌محوری (Citizen-centricity, User/Customer-centricity)
اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۷؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ ریونن، ۲۰۱۷	تعامل‌پذیری، تعامل‌پذیری داده‌ها و زیرساخت، تعامل‌پذیری خدمات و محصولات و تعامل‌پذیری استانداردهای فنی (۲۲ کد)	تعامل‌پذیری (Interoperability)
آلانی، ۲۰۱۷؛ بارتلت، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ یانوسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ مک‌براید، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۳؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛ ریونن، ۲۰۱۷	جلب استعداد، انگیزه، تخصص و مشارکت شهروندان، جمع‌سپاری، فناوری جمعی، هوش جمعی، همکاری بخش خصوصی و دولتی، درگیر و دخیل کردن جمعیت مردم، هم‌آفرینی، ساخت همکارانه، شبکه همکاری، همکاری بین سیلواها و همکاری چندذی‌نفعی (۴۵ کد)	همکاری جمعی (Collaboration)
براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ گرینوی، ۲۰۱۵؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ میلارد، ۲۰۱۳؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ OECD، ۲۰۱۸؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹	استفاده‌پذیری مجدد، طراحی برای استفاده مجدد، ترکیب مجدد و استفاده مجدد از داده و استاندارد باز (۱۸ کد)	امکان استفاده مجدد (ReUsability)
براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ یانوسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پوپ، ۲۰۱۹	شکل‌گیری تدریجی از طریق تعامل بین فناوری، کاربران و سیاست‌گذاران، استفاده و تکامل طی زمان، تغییر بلندمدت، پویایی و تطبیق‌پذیری تدریجی و راه‌حل‌های ساده ولی متکامل (۱۴ کد)	شکل‌گیری تدریجی (Evolutionary Process)

ادامه جدول ۲

منابع	کدها	مفاهیم (ویژگی‌ها)
اکسنچر، ۲۰۱۶؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ ایوز و همکاران، ۲۰۱۹؛ گرینوی، ۲۰۱۵؛ یانووسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ جراه، ۲۰۱۷؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ مک‌براید، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	استفاده از داده، داده‌گان و API مشترک (۲۴ کد) استفاده از زیرساخت و اجزای مشترک (۲۹ کد) استفاده از خدمات یا سرویس‌های مشترک (۹ کد) و استفاده از نرم‌افزارها و استانداردهای مشترک (۱۱ کد)	استفاده از منابع مشترک (Using common or shared sources)
ال‌آنی، ۲۰۱۷؛ بارتلت، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ یانووسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ اوریلی، ۲۰۱۷؛ OECD، ۲۰۱۸؛	استفاده از فناوری‌ها و دارایی‌های موجود، به‌کارگیری بهترین بازیگران موجود، استفاده از بهترین راهکارها و تجربیات عملی موجود، استفاده از امکانات، روش‌ها، منابع، کدها و مهارت‌های موجود (۱۸ کد)	استفاده از بهترین‌های موجود (Using Existing Best)
براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۷؛	اصل پیش‌فرض دیجیتال و شعار پیش‌فرض دیجیتال (۸ کد)	پیش‌فرض دیجیتال بودن (Digital-by-default)
بارتلت، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ یانووسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ مک‌براید، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛	توانمندسازی شهروندان برای خلق نوآوری و در اختیار گرفتن امور خود، توانمندسازی مهارتی و دیجیتالی شهروندان، توانمندسازی برای حل مسائل و مهارت‌افزایی (۱۶ کد)	توانمندسازی شهروندان (Citizen empowerment)
براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵، ۲۰۱۸؛ جراه، ۲۰۱۷؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	فلسفه سادگی، پلتفرم‌های ساده، ایجاد سیستم اولیه ساده و قابل اطمینان با قابلیت رشد و پلتفرم‌ها و فرایندهای ساده (۱۶ کد)	سادگی (Simplicity)
بارتلت، ۲۰۱۸؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ ایوز و همکاران، ۲۰۱۹؛ یانووسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ پاولین، ۲۰۱۹؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	تعامل متفاوت بین دولتی، بازطراحی دولت حول اجزای مشترک، تغییر حکمرانی سلسله‌مراتبی به شبکه‌ای، فرایندهای خدماتی با حذف انسان، تنزل دولت به هسته اولیه تشکیل خود و طراحی پلتفرمی به‌جای سیلویی (۱۴ کد)	دولت بازسازمان‌دهی شده (ReOrganized Government)
براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ مک‌براید، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛	اصل آزمایش‌پذیری، طراحی با قابلیت آزمایش مستمر، اجازه سعی و خطا، کاهش موانع ورود و نوآوری دیگران و ترویج آزمایش‌پذیری (۱۵ کد)	آزمایش‌پذیری (Experimentation)
اکسنچر، ۲۰۱۶؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ فوجیتسو، ۲۰۱۵؛ گیلگاریا و همکاران، ۲۰۱۹؛ مک‌براید، ۲۰۱۷؛ میلارد، ۲۰۱۳؛ موخوپادیای و همکاران، ۲۰۱۹؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛	حکمرانی مقرون به صرفه، سرمایه‌گذاری مدیریت‌پذیر بلندمدت، حذف هزینه‌های حاشیه‌ای و تکراری، نیاز نداشتن به مالکیت زیرساخت و قابل برنامه‌ریزی بودن (۱۰ کد)	شدنی و دست‌یافتنی بودن (Achievability)

ادامه جدول ۲

منابع	کدها	مفاهیم (ویژگی‌ها)
براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ گرینوی، ۲۰۱۵؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	ساختار سرویس‌محور و رویکرد طراحی سرویس (۷ کد)	ساختار سرویس محور (Service Oriented Architecture)
اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹؛ آلنی، ۲۰۱۷؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ یانوسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛ OECD، ۲۰۱۸؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛ شاو، آچوتا، شارما و گرنیگر ^۱ ، ۲۰۱۹؛	در دسترس بودن داده، امکان دستیابی بخش‌های دولت به داده، قابلیت شناسایی داده، دسترسی باز، زیرساخت دسترسی‌پذیر و دسترسی به اطلاعات دولتی (۱۵ کد)	در دسترس بودن (Accessibility)
بارتلت، ۲۰۱۸؛ بیسونو، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵، ۲۰۱۸؛ دوپونت، ۲۰۱۸؛ گیلگاریسیا و همکاران، ۲۰۱۹؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ موخوپادای و همکاران، ۲۰۱۹؛ پاولین، ۲۰۱۹؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	شهروندان و جامعه به هم متصل، سیستم‌های به هم متصل، اتصال ساختار دیجیتال، جامعه متصل و همه جا حاضر—یکپارچگی با سیستم‌های بیرونی و یکپارچگی از طریق APIهای باز (۱۸ کد)	یکپارچگی / پیوستگی (integrity\ Connectivity)
براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۸؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛	اصل هدایت از طریق نمونه‌ها (۴ کد)	هدایت با استفاده از نمونه‌ها (Leading by examples)
براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۸؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ یانوسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛	اصل یادگیری از استفاده‌کنندگان یا توسعه‌دهندگان، بهره‌گیری از هکرها به‌جای برخورد با آنها و یادگیری پایین به بالا (۹ کد)	یادگیری از استفاده‌کنندگان (Learning form Hackers)
بارتلت، ۲۰۱۸؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۸؛ یانسن و استیوز، ۲۰۱۳؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰؛	اصل استفاده از داده‌کاوی برای مشارکت و استفاده از اطلاعات تعامل کاربران با سیستم برای بهبود خدمات (۷ کد)	استفاده از داده‌کاوی (Using Datamining)
براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۸؛ جراه، ۲۰۱۷؛ لمکه، ۲۰۱۸؛ موخوپادای و همکاران، ۲۰۱۹؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	پاسخ سریع به تغییرات، خدمات‌رسانی عمومی چابک، توسعه نرم‌افزاری چابک و ساختار غیرمتمرکز و چابک (۱۰ کد)	چابکی (Agility)
براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ گیلگاریسیا و همکاران، ۲۰۱۹؛ میلارد، ۲۰۱۷؛ پتروف و همکاران، ۲۰۱۸؛	انعطاف‌پذیری در اندازه، اثر و نقش، مدل همکاری منعطف و تغییرات سریع در فرایندها (۵ کد)	انعطاف‌پذیری (Flexibility)
آلنی، ۲۰۱۷؛ براون و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۷؛ بیگستاد و دسیلوا، ۲۰۱۵؛ کلارک، ۲۰۱۸؛ گرام‌هانسن، ۲۰۱۷؛ جراه، ۲۰۱۷؛ لیندرز، ۲۰۱۲؛ مارگتس و نومن، ۲۰۱۷؛ مک‌براید، ۲۰۱۷؛ اوریلی، ۲۰۱۰، ۲۰۱۷؛ OECD، ۲۰۱۸؛ پروژه دولت دیجیتال OECD، ۲۰۱۸؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	مجانی و موجود بودن داده، API، دانش، قواعد تصمیم‌گیری، ابزارهای استاندارد و ساختار فنی دولت، پرتال‌های داده دولتی، موجود بودن سرویس دائمی و وجود انباره کد یافتنی توسط عموم (۲۶ کد)	موجود بودن (Availability)
براون و همکاران، ۲۰۱۷؛ پوپ، ۲۰۱۹؛	خاصیت یک به چندی و اعمال یک تغییر در سرویس و اثرگذاری بر خدمات مختلف (۳ کد)	ویژگی یک به چندی (One-to-many)

بحث

بررسی مفاهیم (ویژگی‌های) استخراج‌شده از کدگذاری منابع منتخب در مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که همگی این ویژگی‌ها از یک جنس نیستند و به نظر می‌رسد بتوان به دسته‌بندی معناداری از این مفاهیم به‌عنوان مقوله‌ها دست یافت. ویژگی‌های شناسایی‌شده را می‌توان به ویژگی‌های ذاتی - نظری، فنی - ساختاری و اجرایی، دسته‌بندی کرد (شکل ۵).

منظور از ویژگی‌های ذاتی یا نظری، ویژگی‌هایی هستند که مبنای شکل‌گیری و روح حاکم بر مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم را تشکیل داده و بیشتر ویژگی‌های نظری مفهوم را شامل می‌شوند. نخستین و اصلی‌ترین ویژگی ذاتی دولت به‌مثابه پلتفرم ویژگی «باز بودن» است که از آن، با عنوان اصل باز بودن یا باز بودن به‌عنوان پیش‌فرض نیز تعبیر می‌شود. این ویژگی لازمه تحقق هدف اصلی دولت به‌مثابه پلتفرم در ترغیب دیگران برای ایجاد کاربردهایی است که دولت یا نمی‌داند یا به‌دلیل محدودیت منابع نمی‌تواند ایجاد کند. به اعتقاد اورابلی، پلتفرم‌هایی می‌توانند بیشترین ارزش را ایجاد کنند که بازتر باشند، به‌طوری که تمرکززدایی و کاهش موانع مشارکت، امکان ایجاد ارزش افزوده بیشتر توسط استفاده‌کنندگان و توسعه‌دهندگان روی پلتفرم‌های موجود را فراهم کند. همچنین استانداردهای باز، امکان فنی تعامل‌پذیری و در نتیجه نوآوری را فراهم می‌کنند. یکی دیگر از ابزارهای قدرتمند برای تحقق این هدف، داده باز است (اکاتکین و یاسینووسکایا، ۲۰۱۹). داده به‌عنوان سرمایه ملی در رویکرد دولت به‌مثابه پلتفرم از محوریت برخوردار است. دولت «داده‌محور» علاوه بر تصمیم‌گیری هوشمند (مبتنی بر داده) (دوپونت، ۲۰۱۸)، به‌طور فعالانه اطلاعات را به کاربران خود عرضه می‌کند (لمکه، ۲۰۱۸: ۴۶). این کار از طریق تبادل باز و امن اطلاعات درون و بیرون دولت (دوپونت، ۲۰۱۸) و با استفاده از زیرساخت فنی و ارتباطاتی باز دولت (الآنی، ۲۰۱۷: ۱۹۰) میسر می‌شود. باز بودن، مستلزم اتخاذ رویکرد «اشتراک‌گذاری» منابع توسط دولت است که شامل اشتراک‌گذاری داده، زیرساخت و خدمات (سرویس) و غیره مبتنی بر استانداردهای مشترک و با استفاده از اجزا و APIهای مشترک است (پوپ، ۲۰۱۹: ۴). فایده اصلی باز بودن بیشتر، نرخ بالاتر افزایش نوآوری بیرونی است. باز بودن، مشارکت گسترده‌تر و افزایش ارزش کاربری را که در نهایت به سودآوری و پیوستن سریع‌تر قابلیت‌های جدید به پلتفرم می‌انجامد، فراهم می‌کند. همچنین باز بودن، موجب جذب بیشتر اثرهای شبکه‌ای پلتفرم می‌شود (ریبون، ۲۰۱۷: ۳۰). یکی از مشخصه‌های یک پلتفرم خدماتی، «خاصیت شبکه‌ای» است و زمانی رخ می‌دهد که ارزش یک پلتفرم به تعداد کاربران یا تعداد سرویس‌ها یا ماژول‌های مکمل روی پلتفرم بستگی دارد. زمانی که مطلوبیت یا عملکرد یک محصول (یا خدمت) به تعداد کالاهای مکمل موجود برای آن بستگی دارد، تأثیرهای شبکه روی می‌دهد (نیک‌آیین، ۲۰۱۴). دولت به‌مثابه پلتفرم، به‌دلیل مدل پلتفرمی که دارد، از خاصیت شبکه‌ای نیز برخوردار است. یکی دیگر از ویژگی‌های مبنایی، «شهروندمحوری» (همچنین «کاربر و مشتری‌محوری») (گیل‌گارسیا و همکاران، ۲۰۱۹) به‌جای دیدگاه سنتی بروکراسی‌محوری است، به این معنا که هدف اصلی پلتفرم ارائه بهترین راه‌حل ممکن برای نیازهای شهروندان است (ریبون، ۲۰۱۷: ۵). در حقیقت، دولت برای «توانمندسازی» مردم،

باید ابزارهای فنی لازم را فراهم کند تا خود مردم ارزش عمومی را برای خود ایجاد کنند (لیندرز، ۲۰۱۲). دولت به‌مثابه پلتفرم، به نهادهای دولتی اجازه می‌دهد تا APIها را به‌عنوان واحدهای سازنده برای «همکاری جمعی» سازمان‌های دولتی دیگر، توسعه‌دهندگان خصوصی، شهروندان و... ارائه دهند (ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین به عقیده اورایلی، دولت نیز به مانند سیستم‌های دیجیتال مدرن می‌تواند از اطلاعاتی که کاربران در تعامل با سرویس‌ها ایجاد می‌کنند، استفاده کند («داده‌کاو»). کاربران در تعامل خود با دولت از خود ردپاهایی به‌جا می‌گذارند که دولت می‌تواند از آنها برای فهم و تحلیل رفتار آنها، به‌منظور بهبود خدمات فعلی یا طراحی خدمات جدید استفاده کند که می‌توان این را نوعی مشارکت ضمنی و ناخواسته کاربران در ارائه بازخور و بهبود خدمات دانست (مارگتز و نومن، ۲۰۱۷).

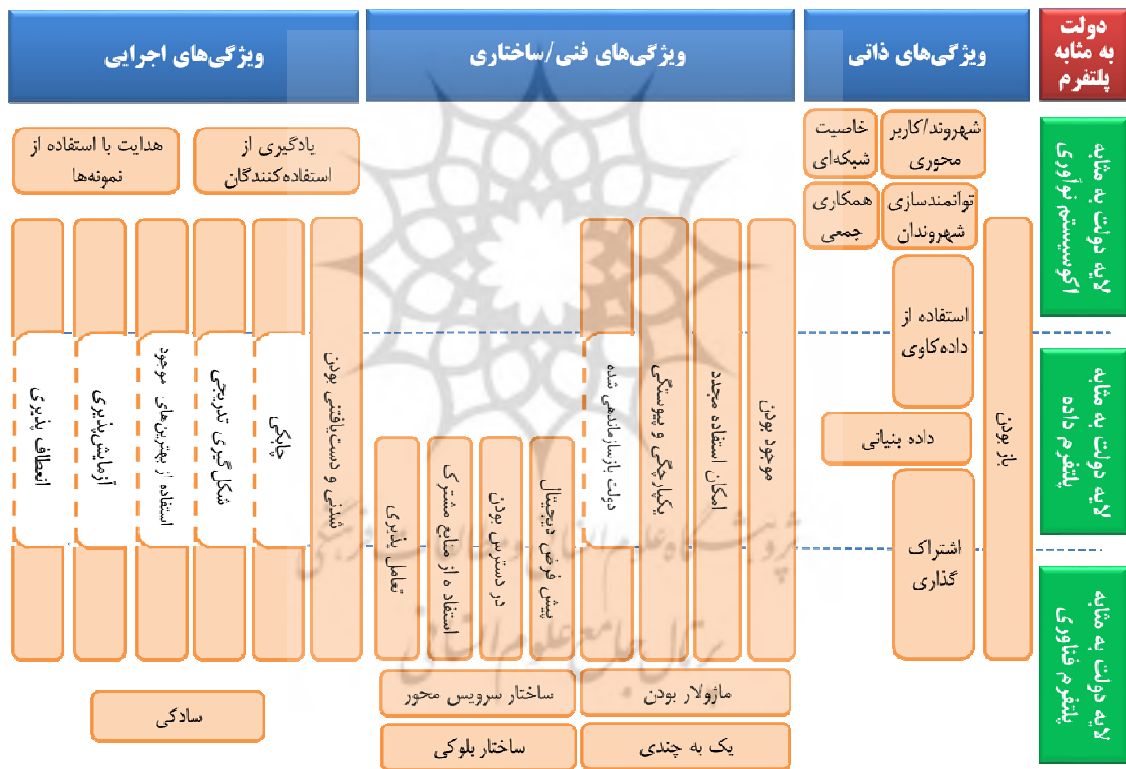
دومین دسته از ویژگی‌ها، ویژگی‌های فنی و ساختاری شامل ویژگی‌های فناورانه و تخصصی و مربوط به ابزار تحقق مفهوم و همچنین در ارتباط با ساختارها و سازوکارهای دولت به‌مثابه پلتفرم هستند. یکی از ویژگی‌های فنی، اصل دیجیتال به‌عنوان پیش فرض است. دیجیتال شدن، در حالی که هزینه‌های زیربنایی را برای ارائه خدمات به شهروندان کاهش می‌دهد، برای بهبود خدمات به شهروندان، فرصت‌های جدیدی ارائه می‌دهد. حرکت به سمت دیجیتال، مستلزم جایگزین کردن و در نهایت افول روش‌های آفلاین و سنتی خواهد بود (فوجیتسو، ۲۰۱۵). «پیش فرض دیجیتال»، با هدف تحقق کاربرمحوری و رفع نیازهای آنان به روشی سریع‌تر و با مدیریتی بهتر توسط دولت باید مد نظر قرار بگیرد (براون، تامپسون و فیشنندن^۱، ۲۰۱۴: ۶۷). این کار بدون «موجود بودن» (الآنی، ۲۰۱۷: ۱۹۰) و «در دسترس بودن» داده‌ها (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۸)، دانش و زیرساخت‌ها (لیندرز، ۲۰۱۲) و سرویس‌های دولت، به‌صورت شبانه‌روزی (مارگتز و نومن، ۲۰۱۷) و در لحظه (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۸)، امکان‌پذیر نیست. ویژگی مهم دیگری از پلتفرم که در تعاریف حوزه‌های مختلف وجود دارد، «ساختار ماژولار یا پودمانی» پلتفرم است، به‌طوری که ماژول‌های مرکزی مستقل مورد استفاده و بازاستفاده در محصولات و سرویس‌های متعدد و گوناگون قرار می‌گیرند (نیک‌آیین، ۲۰۱۴). تشبیهی ساده از پلتفرم، قطعات لگو هستند که می‌توان با آنها، از اجزای یکسان، محصولات و سازه‌های مختلفی ساخت. پلتفرم می‌تواند هر عملیات مشترکی که تعدادی از سازمان‌های دولتی یا همه آنها به آن نیاز دارند را پشتیبانی کند و به‌طور موفق پاسخ‌گوی تقاضاها باشد (گرینوی^۲، ۲۰۱۵). رویکرد ماژولار به‌اصطلاح از ساختار یک بار ساخت، چند بار استفاده («ویژگی یک به چندی») برخوردار است. در این صورت، خدمات مدیریت‌شده برای تمام بخش‌های مختلف دولت در دسترس است و بدون نیاز به تدارکات پیچیده، امکان فراهم کردن زمینه برای کاهش هزینه‌ها، افزایش امنیت و افزایش دسترسی به وجود می‌آید (براون و همکاران، ۲۰۱۷). با رویکرد پلتفرمی، همان‌طور که پلتفرم‌ها جزئی از خدمات و سرویس‌های مختلفی هستند که دولت و دیگران ارائه می‌دهند، سرویس‌ها و خدمات نیز مشکل از پلتفرم‌ها و اجزای مشترک زیادی هستند (پوپ، ۲۰۱۹: ۳۳). این امکان، ناشی از ویژگی «استفاده از منابع مشترک» در دولت به‌مثابه پلتفرم است که شامل داده، داده‌گان^۳، API، استانداردها، اجزای تشکیل‌دهنده، زیرساخت‌ها

(پوپ، ۲۰۱۹: ۴)، نرم‌افزارها و خدمات یا سرویس‌های مشترک می‌شود (مارگتز و نومن، ۲۰۱۷). ساختن روی زیرساخت اشتراکی دولت، سیلوها را کنار زده و اجازه همکاری و تعامل بین‌بخشی را می‌دهد (ایوز و همکاران، ۲۰۱۹). این استفاده از زیرساخت‌های مشترک، برای سازمان‌ها با توجه به مأموریت آنها، امکان تمرکز بر نیازمندی‌های فناورانه اختصاصی را فراهم می‌کند. در این رویکرد، زیرساخت‌های دیجیتال مشترک و تکرارشدنی («امکان استفاده مجدد») در سطح دولت موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش تعامل‌پذیری می‌شوند (فوجیتسو، ۲۰۱۵) و «تعامل‌پذیری» نیز، از طریق طراحی قوانین و استانداردهایی برای مدیریت روابط بین اجزای پلتفرم امکان‌پذیر می‌شود (ریپونن، ۲۰۱۷: ۱۹). «یکپارچگی و پیوستگی» به‌دست‌آمده از تعامل‌پذیری مستلزم استفاده از رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی (API) است تا برنامه‌های کاربردی جدیدی ایجاد شوند یا برنامه‌های قدیمی تقویت شوند. سازمان‌هایی که با رویکرد دولت به‌مثابه پلتفرم به‌سمت نوآوری می‌روند، معماری IT پیوسته و واحدی برای پشتیبانی از مدیریت API و تسهیل دسترسی اشخاص ثالث ایجاد می‌کنند (ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۶). «ساختار سرویس‌محور» به ساختارهای یکپارچه اجازه می‌دهد تا به بلوک‌های ساده‌تر («ساختار بلوکی») تبدیل شوند و با استفاده از فناوری مناسب برای مدیریت، ترکیب، اتصال و انتشار این بلوک‌های سازنده، از کیفیت مناسب خدمات اطمینان حاصل شود. دولت بریتانیا تلاش کرد تا از این مدل بهره‌برداری کرده و معماری خود را به مجموعه‌ای از سرویس‌های کوچک و ترکیب‌شدنی مانند احراز هویت، تعاملات، پرداخت‌ها و پیام‌رسانی ایمن تبدیل کند (براون و همکاران، ۲۰۱۷). در ساختار بلوکی، هر بلوک کار مشخصی انجام می‌دهد. به‌راحتی می‌توان بلوک‌ها را به هم وصل کرد و در صورت افزایش تقاضا، مقیاس آنها را افزایش داد. در صورت بروز مشکل نیز می‌توان به‌راحتی آن بلوک را تعمیر یا به‌روزرسانی کرد (گرینوی، ۲۰۱۵). دولت به‌مثابه پلتفرم، بخش دولتی را از ساختار سیلویی و مکرر به زیرساختی اشتراکی و تعامل‌پذیر با داده‌گان رسمی^۱ سوق می‌دهد (ایوز و همکاران، ۲۰۱۹) و «بازسازمان‌دهی» می‌کند (پوپ، ۲۰۱۹: ۲۲). این بازسازمان‌دهی به‌معنای تنزل دولت به هسته اولیه تشکیل خود (پاولین، ۲۰۱۹: ۱۶۶) و مرتبط و یکپارچه کردن اجزای داخل دولت با هم و همچنین با عناصر و مجموعه‌های خارج از دولت به‌منظور خلق ارزش عمومی است. این کار، شامل خرد کردن به اجزای کوچک‌تر و ایجاد همکاری بین اجزای جدا از هم سازمان‌ها و ادارات دولتی، در سطوح و مکان‌های مختلف، از طریق دراختیارگذاری و اشتراک‌گذاری زیرساخت‌ها، فرایندها، داده‌ها، دارایی‌ها، منابع، محتوا و ابزارها است. این رویکرد، بر نوعی اتحاد و هماهنگی دلالت دارد که هم بین تمرکزگرایی و تمرکززدایی و هم بین، رویکرد بالا به پایین و پایین به بالا تعادل ایجاد می‌کند (میلارد، ۲۰۱۵).

دسته سوم یعنی ویژگی‌های اجرایی، به نحوه اجرایی شدن و تحقق مفهوم در تعامل دولت با سایر بازیگران زیست‌بوم پلتفرمی اشاره دارند. یکی از ویژگی‌های اصلی دولت به‌مثابه پلتفرم، «سادگی» است. ایده این است که باید بتوانیم سیستمی ساده ایجاد کنیم و به آن، اجازه رشد بدهیم. در اینجا بحث درباره ایجاد نقطه شروع است، نقطه‌ای که دیگران بتوانند دوباره از آن استفاده کرده و آن را گسترش دهند. سیستم‌های پیچیده که به‌طور یکباره طراحی شده باشند، کار نخواهند کرد، مگر اینکه روی سیستم‌های ساده بنا شده باشند (اوریلی، ۲۰۱۰: ۲۱). دولت به‌مثابه پلتفرم معتقد است،

شروع باید با راه‌حل‌های ساده‌ای باشد که «به‌تدریج» شکل می‌گیرند (بیگستاد و دسیلوا^۱، ۲۰۱۸). پلتفرم‌ها را می‌توان سیستم‌هایی فنی - اجتماعی در نظر گرفت که در اثر تعامل فناوری، کاربران و سیاست‌گذاران شکل گرفته و پدید می‌آیند (لمکه، ۲۰۱۸: ۳۶). به‌جای اینکه همه چیز از ابتدا یکباره ساخته شود، راهکارهای دیجیتالی جدید می‌توانند به‌صورت چابک‌تر و در فرایندی تدریجی شکل بگیرند (دوپونت، ۲۰۱۸). این پلتفرم‌ها باید به‌صورت تیمی و طی زمان توسعه یابند. این تیم‌ها باید به‌طور مستمر، نیازهای کاربران را درک کرده و سرویس‌ها را بهبود دهند (پوپ، ۲۰۱۹: ۲۷). البته حرکت به‌سمت پلتفرم به این معنا نیست که دولت باید همه کار را خود انجام دهد، بلکه بسیاری از نیازهای دولت می‌تواند از طریق سرویس‌های خدماتی «موجود»، مرتفع شود. دولت می‌تواند از بهترین تجربیات عملی در سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی استفاده کند یا از آنها یاد بگیرد (فوجیتسو، ۲۰۱۵). در این رویکرد، به‌جای اختراع مجدد چرخ، به راه‌حل‌های موجود در خارج از دولت توجه ویژه‌ای می‌شود. هر چقدر هم که کدهای نوشته‌شده در داخل محدوده دولت عالی باشند، هرگز نمی‌توانند از لحاظ نوآوری با بخش خصوصی رقابت کنند. باید بتوان بهترین نوآوری‌های موجود در بازار را مانند پلتفرم‌های تجاری معروف، به خدمت گرفت که به‌طور قطع، دولت می‌تواند با وضع قوانینی به‌عنوان استاندارد، این کار را انجام دهد. هر کسی تا زمانی که بتواند این استانداردها را احراز کند، در این زمین بازی فراهم‌شده با دولت کار می‌کند (کولپند، ۲۰۱۶). در بیشتر مواقع، برنامه‌های دولت به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که گویی فقط یک جواب درست وجود دارد. ولی در بیشتر پروژه‌ها، شکست یک گزینه است. در واقع، برای شرکت‌های فناوری، شکست، آزمایش و تکرار پذیرفته‌شده است. یکی از مزیت‌های مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر وب این است که «آزمایش کردن» در آن آسان است. آنان قابلیت‌ها را در لحظه و در یک فرایند پیشرفت دائمی، اضافه و کم می‌کنند. دولت به رویکردی جدید به طراحی برنامه‌ها نیاز دارد، یعنی نباید آنها را مثل کالای ساخته‌شده یا مصوبی در نظر بگیرد، بلکه باید آنها را مثل یک آزمایش در حال اجرا ببیند. وقتی هزینه آن آزمایش کاهش می‌یابد، در نهایت می‌توان به‌سرعت محصول یا قابلیت را که کسی از آن استفاده نمی‌کرده و در واقع آنچه باید ساخته می‌شده، نبوده را اسقاط کرد. برنامه‌های دولت باید نه‌تنها به‌عنوان مجموعه‌ای از خصوصیات مشخص و ثابت، بلکه به‌عنوان پلتفرم‌هایی با انتهای باز که قابلیت توسعه‌پذیری و بازنگری به‌وسیله بازار (مردم) را دارند، طراحی شوند (اورابلی، ۲۰۱۰: ۳۶). این «چابکی» حاصل از آزمایش‌پذیری، امکان طراحی خدمات متناسب‌سازی‌شده با نیاز کاربران را فراهم می‌کند (لمکه، ۲۰۱۸: ۴۸). دولت می‌تواند از تجربیات موفق به‌دست‌آمده در بین سازمان‌های عمومی و بخش خصوصی یادگیری داشته باشد. همیشه توسعه پلتفرم‌ها توسط ایجادکننده اولیه انجام نمی‌شود. گاهی توسعه‌دهندگان بیرونی و حتی استفاده‌کنندگان (مردم) می‌توانند قابلیت‌هایی را کشف کرده و به پلتفرم اضافه کنند که خارج از توان و تصور صاحب پلتفرم بوده است. دولت باید از این ایده برای توسعه خدمات و سرویس‌های خود استفاده کند (مارگتز و نومن، ۲۰۱۷). از طرفی به نظر می‌رسد این تصور که دولت بروکرات برخلاف بخش خصوصی توان نوآوری را ندارد، به‌طور مطلق صحیح نیست. در بسیاری از موارد، بخش خصوصی برای انجام اقدام‌های تحول‌آفرین، ریسک‌پذیری لازم را ندارد و فقط زمانی ورود می‌کند که بخش

دولتی هزینه این ریسک را پرداخته باشد. در نتیجه، دولت باید به‌عنوان ایجادکننده پلتفرم، برای ترغیب کاربران و توسعه‌دهندگان به مشارکت، کاربردهای بالقوه پلتفرم را به‌عنوان نمونه به آنها نشان دهد (مارگتزر و نومن، ۲۰۱۷). ویژگی مهم دیگر، «انعطاف‌پذیری» است. اندازه دولت باید بتواند در صورت نیاز کم یا زیاد شود یا به‌کلی تغییر کند. همچنین باید بتواند در بخش‌های مختلف، در زمان‌های مختلف و در هماهنگی مداوم با سایر بازیگران، نقش‌ها و اثرگذاری‌های مختلف داشته باشد تا بتواند ارزش عمومی و حتی خصوصی را در کل جامعه به حداکثر برساند (میلارد، ۲۰۱۷: ۵). ویژگی اجرایی دیگر که در برخی منابع به آن اشاره شده است، قابلیت برنامه‌ریزی (گیل‌گارسیا و همکاران، ۲۰۱۹) و «دست‌یافتنی بودن» (فوجیتسو، ۲۰۱۵) این رویکرد است. به نظر می‌رسد ویژگی‌های ذاتی، فنی و اجرایی، مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم را اجرا کرده و تحقق آن را امکان‌پذیر می‌کنند.



شکل ۵. چارچوب مفهومی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم حاصل از مرور نظام‌مند منابع منتخب

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، علاوه بر شناسایی ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم، شناخت برداشت‌های مختلفی است که در عمل از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم صورت گرفته است. به عقیده برخی پژوهشگران و مجریان این حوزه، از جمله کولپند (۲۰۱۶)، برای اینکه دولت به‌مثابه پلتفرم مفهومی معنادار باشد، باید هر سه لایه فناوری، داده و مدل کسب‌وکار را شامل شود (کولپند، ۲۰۱۶). به بیان دیگر، می‌توان به مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم از سه زاویه دولت به‌مثابه پلتفرم فناوری، دولت به‌مثابه پلتفرم داده و دولت به‌مثابه اکوسیستم نوآوری/مدل کسب‌وکار پلتفرمی، نگاه کرد (شکل ۵).

این پژوهش نشان داد که برداشت‌های مختلف از این مفهوم، به‌معنای تفاوت و تمایز کامل برداشت‌ها از این مفهوم نیست، بلکه به‌معنای برجسته شدن و تحقق بیشتر برخی ویژگی‌ها در مقایسه با برخی ویژگی‌های دیگر بوده است. به بیان دیگر، از کنار هم قرار گرفتن برخی ویژگی‌های نظری، فنی و اجرایی، سه نوع زاویه نگاه به مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم و سه لایه مفهومی، شکل گرفته است.

یک زاویه نگاه به دولت به‌مثابه پلتفرم فناوری تأکید دارد. رویکرد متمرکزی که به استفاده از واژه پلتفرم مبتنی بر ساختن اجزای اصلی مشترک تمایل دارد. اجزایی که می‌توانند مجدد استفاده شده و برای ارائه خدمات مختلف چندگانه، بازچینی شوند، رویکردی که می‌تواند «دولت به‌مثابه لگو» نیز نامیده شود (کوپلند، ۲۰۱۶). این نگاه به‌طور عمده، برگرفته از ویژگی ماژولار پلتفرم است؛ به‌طوری که ماژول‌های مرکزی مستقل، مورد استفاده و بازاستفاده در محصولات و سرویس‌های متعدد و گوناگون قرار می‌گیرند. همچنین از آنجا که گروه‌های مختلفی از مشارکت‌کنندگان، محصولات و سرویس‌های فعال روی پلتفرم‌ها را فراهم کرده یا از آنها استفاده می‌کنند، پلتفرم‌ها بین شبکه‌های چندسویه که خاصیت شبکه‌ای دارند، نقش میانجی را ایفا می‌کنند (نیک‌آیین، ۲۰۱۴).

جنبه دیگر شناسایی شده، دولت به‌مثابه پلتفرم داده است. با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، شهروندان، مجموعه‌ها، گروه‌های مدنی و همچنین بخش خصوصی، دیگر مانند گذشته، فقط استفاده‌کنندگان منفعل داده و دانش نیستند، بلکه به‌طور فعالانه تبدیل به تولیدکننده می‌شوند (میلارد، ۲۰۱۷: ۱۳). دولت می‌تواند با باز کردن داده‌های دولتی (عمومی)، مانند یک پلتفرم عمل کند، به‌طوری که به دیگران اجازه دهد که از این داده‌ها استفاده و بهره‌برداری کرده و با تجزیه و تحلیل و ترکیب آنها خدمات نوآورانه و مشارکتی ارائه کند و از این طریق موجب خلق ارزش عمومی و توانمندسازی مردم شود (مک‌براید، ۲۰۱۷: ۴). در اینجا، داده به‌عنوان اجزای اشتراکی برای ساخت پلتفرم مطرح است (براون و همکاران، ۲۰۱۷). با استفاده از پلتفرم داده می‌توان اقدام‌هایی هماهنگ و هدفمند انجام داد. به این ترتیب، می‌توان منابع محدود، حوزه‌هایی که بیشترین نیاز به آنها وجود دارد یا دارای بالاترین ریسک هستند را به‌طور هدفمند مدیریت کرد و با منابع کمتر کار بیشتر و بهتری انجام داد که این، بعدی حیاتی از خدمات دولتی مؤثر است (کوپلند، ۲۰۱۶).

همچنین دولت می‌تواند به‌مثابه پلتفرم نوآوری عمل کند (بیسونو، ۲۰۱۷: ۱۵). در این صورت پلتفرم دولت به‌معنای اکوسیستم و محیط باز با چارچوب، خطوط راهنما، منابع و حمایت‌های مشخص است و دولت همه بازیگران را به همکاری برای ایجاد ارزش عمومی در کنار ارزش‌هایی که به‌طور مستقیم منافع هر یک از بازیگران را تأمین می‌کند، دعوت می‌کند (میلارد، ۲۰۱۳). همان‌طور که اشاره شد، ایده اصلی استفاده از پلتفرم برای ارائه خدمات دولتی، از بخش خصوصی، به‌خصوص کسب‌وکارهای اینترنتی، گرفته شده است. شرکت‌هایی چون گوگل، علی‌بابا، آمازون، اپل، فیس‌بوک، مایکروسافت و ... علاوه بر دارا بودن تعداد زیادی کاربر در سراسر دنیا، در چیز دیگری نیز مشترک هستند که استفاده از مدل کسب‌وکار پلتفرمی است (مک‌کنزی و کمپانی^۱، ۲۰۱۷) دولت نیز می‌تواند از مدل‌های تجاری مرتبط با

کسب و کارهای پلتفرمی الهام بگیرد، مدل‌هایی که اغلب به‌عنوان شبکه‌هایی برای برقراری ارتباط افراد با چیزی که به آن نیاز دارند، عمل می‌کنند. عالی و تحول‌آفرین بودن این کسب و کارها، فقط به دلیل برخورداری از وب‌سایت خوب نیست، بلکه به این دلیل است که آنها مدل‌های کسب و کار فعلی را متحول کرده‌اند. تصور کنید، چگونه خواهد شد، اگر هنگام صحبت از دولت به‌مثابه پلتفرم، این مدل‌های کسب و کار برای خدمات به‌کار گرفته شوند. آیا می‌شود به‌جای اینکه شهروندان فقط گیرندگان منفعل خدمات عمومی باشند، شبکه‌های تعاملی‌ای ایجاد کرد که افراد و سازمان‌های مختلف بتوانند از طریق آنها، با هم همکاری کرده و به یکدیگر کمک کنند (کوپلند، ۲۰۱۶). دولت به‌مثابه پلتفرم، می‌تواند طیف گسترده‌ای از بازیگران و همچنین دولت را با خود در راستای همکاری با هم، برای ایجاد ارزش عمومی هماهنگ کند (میلارد، ۲۰۱۷: ۱۳). در این صورت، مشکل همیشگی دولت در انجام «کار بیشتر با منابع کمتر» از طریق نقش هماهنگ‌کنندگی دولت و به‌کارگیری مؤثرتر و بهینه‌تر سرمایه‌های خود و دیگران رفع شده و انجام «کار بیشتر با منابع بیشتر» میسر می‌شود (میلارد، ۲۰۱۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی روند شکل‌گیری مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم از ایده اولیه تا به‌کارگیری عملی آن در کشورهای مختلف، نشان‌دهنده نوعی سردرگمی و ابهام مفهومی بود و مرور پژوهش‌ها در این حوزه از نبود چارچوب مفهومی جامع و همچنین تکرر برداشت‌های نظری و عملی از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم حکایت دارد. همان‌طور که اشاره شد، هر یک از پژوهش‌های پیشین، از زاویه‌ای و با تأکید بر جنبه خاصی به مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها، برای احصای ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم و ارائه چارچوب مفهومی تلاش‌هایی شده، اما هیچ‌یک، از جامعیت لازم برخوردار نبوده‌اند و تفاوت برداشت‌ها و رویکردها به مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم را به‌طور واضح نشان نداده‌اند. در این پژوهش، تلاش شده است تا ابتدا با روشی نظام‌مند از ادبیات نظری و تجربی موجود در این حوزه، ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم و همچنین برداشت‌های مختلف از این مفهوم که در منابع مختلف مطرح بود، با عنوان زوایای نگاه یا لایه‌های دولت به‌مثابه پلتفرم احصا شود. همچنین، تحلیل مرور نظام‌مند منابع و داده‌ها، این امکان را فراهم آورد تا بتوان ویژگی‌های مرتبط با هر یک از لایه‌های دولت به‌مثابه پلتفرم را شناسایی و مشخص کرد. در نتیجه، علی‌رغم تکرر برداشت‌ها از مفهوم دولت به‌مثابه پلتفرم، هم به‌لحاظ تئوریک و هم عملی، این پژوهش تلاش کرده است تا ضمن احصا کردن ویژگی‌های مشترک، تفاوت این برداشت‌ها را در قالب چارچوب مفهومی جامعی مشخص کند.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد ایده دولت به‌مثابه پلتفرم می‌تواند دولت را در رسیدن به اهداف خود از جمله کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از صرف منابع به‌طور موازی و مضاعف، توانمندسازی و جلب مشارکت، مهارت‌ها و منابع عمومی، استفاده حداکثری از منابع و امکانات موجود در داخل و خارج دولت، فراهم کردن زمینه و بستر تعامل و نوآوری، افزایش بهره‌وری، بهبود عملکرد و بالا بردن کیفیت خدمات دولتی و در نهایت بهبود حکمرانی کمک کند. تحقق هر یک از این اهداف از طریق به‌کارگیری و تحقق یک یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های دولت به‌مثابه پلتفرم صورت می‌گیرد.

در کشورهای مختلف، دولت‌ها با توجه به توانمندی‌ها و زمینه‌های فنی، ساختاری، سیاسی، اجتماعی و حقوقی خود، در راستای تحقق دولت به‌مثابه پلتفرم رویکردهای مختلفی را اتخاذ کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا با به‌کارگیری هرچه بیشتر ویژگی‌های آن، از نتایج آن بهره‌مند شوند. پیشنهاد می‌شود، در کشور ما نیز دولت (حکومت) با برنامه‌ریزی و تلاش در راستای تحقق ویژگی‌های ذاتی، فنی و اجرایی دولت به‌مثابه پلتفرم، تحقق اهداف یادشده را دست‌یافتی و عملی کند و به‌طور خلاصه:

- با تحقق ویژگی اشتراک‌گذاری و استفاده از منابع مشترک، استفاده از بهترین‌های موجود و امکان استفاده مجدد، هزینه‌های سربار و مضاعف را کاهش داده و بهره‌وری را افزایش دهد.
 - با استفاده از خاصیت سادگی و باز بودن، به‌خصوص باز بودن داده و استاندارد باز، زمینه توانمندسازی، مشارکت عمومی، نوآوری و خلق ارزش عمومی جدید را فراهم آورد.
 - با ایجاد زمینه‌های لازم برای تحقق تعامل‌پذیری، در دسترس بودن، داده‌کاوی، یکپارچگی و پیوستگی و ... به بهبود عملکرد و بالابردن کیفیت خدمات کمک کند.
 - با توجه ویژه به ویژگی‌های ماژولار (پودمانی) بودن، ساختار بلوکی، شکل‌گیری تدریجی، آزمایش‌پذیری و انعطاف‌پذیری، زمینه استفاده حداکثری از منابع و امکانات موجود در داخل و خارج دولت را فراهم آورد.
- همچنین، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند به این موضوع و حوزه دولت الکترونیک و تحول دیجیتال به بررسی سایر مؤلفه‌های دولت به‌مثابه پلتفرم، مانند توانمندسازها و پیش‌ران‌ها، کارکردها، پیامدها و اثرها، موانع و مشکلات و همچنین عوامل مؤثر و ملاحظات تحقق دولت به‌مثابه پلتفرم بپردازند.

منابع

- ابوالمعالی، فاطمه السادات؛ دانش‌فرد، کرم‌اله؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۹). الگویی برای شناسایی پیش‌ران‌های کاربست مدل حکومت باز در دستگاه‌های اجرایی ایران (مورد مطالعه: وزارت کشور). *مدیریت دولتی*، ۱۲(۱)، ۱۴۲-۱۷۱.
- اورایی، تیم (۲۰۱۰). *دولت به‌مثابه پلتفرم*. حکومت باز، همکاری، شفافیت و مشارکت در عمل. تهران: اندیشکده شفافیت برای ایران.
- دقتی، عادل؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کمالیان، امین‌رضا؛ دهقانی، مسعود (۱۳۹۸). ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۲۰۳-۲۳۰.
- سرعتی، نرجس؛ باباشاهی، جبار؛ یزدانی، حمیدرضا؛ کریمی، تورج (۱۳۹۷). ارائه مدلی برای شکل‌گیری هم‌سویی افقی بین اقدامات مدیریت منابع انسانی. *فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت*، ۱۰(۳۸)، ۳-۳۸.
- کشتکار، عباس (۱۳۹۶). چگونه یک مقاله مرور سیستماتیک و متاآنالیز را بخوانیم؟ تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- مانیان، امیر؛ موسی‌خانی، محمد؛ حسن‌زاده، علیرضا؛ جامی‌پور، مونا (۱۳۹۳). طراحی مدل بلوغ مدیریت دانش هم‌راستا با استراتژی‌های کسب‌وکار: با استفاده از روش فراترکیب. *مدیریت فناوری اطلاعات*، ۶(۲)، ۳۰۷-۳۳۲.

References

- Aboalmaali, F.S., Daneshfard, K., & Pourezat, A.A. (2020). A Pattern to Recognition of Triggering Element of Open Government Implementation in Iran's Public Organizations (Case Study: Ministry of Interior). *Journal of Public Administration*, 12(1), 142-171. (in Persian)
- Accenture (2016). *Government as a Platform: Coming soon to a government near you*. Accenture. Available in: https://www.accenture.com/t20160831T013223__w_/usen/_acnmedia/PDF-29/Accenture-Government-Platform-POV.pdf.
- Accenture. (2018). *GaaP 2018 Readiness Index*. Accenture.
- Akatkin, Y., & Yasinovskaya, E. (2019). Data-centricity as the key enabler of digital government: Is Russia ready for digital transformation of public sector. In *Communications in Computer and Information Science* (Vol. 947, pp. 439–454). Springer Nature Switzerland AG.
- Al-Ani, A. (2017). Government as a Platform: Services, Participation and Policies. In M. Friedrichsen & Y. Kamalipour (Eds.). *Digital Transformation in Journalism and News Media* (pp. 179–196). Springer International Publishing.
- Barns, S. (2018). Smart cities and urban data platforms: Designing interfaces for smart governance. *City, Culture and Society*, 12(2018), 5–12.
- Bartlett, D. (2018). Government as a Platform. In J. Wanna & S. Vincent (Eds.), *Opening Government, Transparency and Engagement in the Information Age* (pp. 37–44). Australia: ANU Press.
- Bisogno, R. (2017). *Problem-Solving in Homeland Security and Creating Policy Conditions for Enhanced Civic Engagement: An Examination of Crowdsourcing Models*. Homeland Security Affairs. Naval Postgraduate School, Center for Homeland Defense and Security, Monterey, California, USA.
- Bracken, M. (2015). *Government as a Platform: the next phase of digital transformation*. Retrieved February 20, 2017, from <https://gds.blog.gov.uk/2015/03/29/government-as-a-platform-the-next-phase-of-digital-transformation/>
- Brown, A. (2016). *Government as a Platform (GaaP): The vision, the future, the reality*. Retrieved February 20, 2017, from <https://blogs.surrey.ac.uk/business-school/2016/03/21/panel-discussion-led-by-surrey-business-school-government-as-a-platform-gaap-the-vision-the-future-the-reality/>
- Brown, A., Fishenden, J., Thompson, M., & Venters, W. (2017). Appraising the impact and role of platform models and Government as a Platform (GaaP) in UK Government public service reform: Towards a Platform Assessment Framework (PAF). *Government Information Quarterly*, 34(2), 167–182.

- Brown, A., Thompson, M., & Fishenden, J. (2014). *Digitizing government: understanding and implementing new digital business models*. Palgrave MacMillan.
- Bygstad, B., & D'Silva, F. (2018). The Sovereign Digital Platform - A Strategic Option for Societal Development. *Platformization Workshop*. Portsmouth UK
- Bygstad, B., & Silva, F. D. (2015). Government as a Platform : a Historical and Architectural Analysis. In *Norsk Konferanse for Organisasjoners Bruk Av Informasjonsteknologi*.
- Choudary, S. P. (2017). How to implement Tim O'Reilly's vision for Government-as-a-Platform. IBM Government Industry Blog. Retrieved from https://www.ibm.com/blogs/insights-on-business/government/implement-tim-oreillys-vision-government-platform/?mhq=government+as+a+platform&mhsrc=ibmsearch_a
- Clarke, A. (2018). The Evolving Role of Non-State Actors in Digital Era Government. *SSRN Electronic Journal*, 1–27.
- Copeland, E. (2016). *Government as a Platform - technology, data or business model?* Retrieved from <http://eddiecopeland.me/government-as-a-platform-technology-data-or-business-model/>
- Deghati, A., Yaghoubi, N.M., Kamalian, A.R., & Dehghani, M. (2019). Presenting a Phased Development Pattern of Network Governance Using a Meta-synthesis Approach. *Journal of Public Administration*, 11(2), 203-230. (in Persian)
- Di Maio, A. (2010). *From e-government to a-government*. Retrieved February 24, 2017, from http://blogs.gartner.com/andrea_dimaio/2010/09/23/from-e-government-to-a-government/
- Dupont, J. (2018). *The Smart State, Redesigning government in the era of intelligent services* (978-1-910812-47-1). *Policy Exchange*. London, England: Policy Exchange. Retrieved from www.policyexchange.org.uk
- Eaves, D., Pope, R., & McGuire, B. (2019). *Government as a Platform: How Policy Makers Should Think about the Foundations of Digital Public Infrastructure*. *Harvard Kennedy School Review* (Vol. 19).
- European Commission. (2016). *Analysis of the Value of New Generation of eGovernment Services and How Can the Public Sector Become an Agent of Innovation through ICT*. *European Union*. Retrieved from https://ec.europa.eu/futurium/en/system/files/ged/final_report_ogs_web_v3.0_0.pdf
- Falco, E., & Kleinhans, R. (2018). Beyond Information-Sharing. A Typology of Government Challenges and Requirements for Two-Way Social Media Communication with Citizens. *The Electronic Journal of E-Government*, 16(1), 32–45.
- Fujitsu Team. (2015). *Government as a Platform*. *Fujitsu*. Fujitsu Services Ltd.
- Gil-Garcia, J. R., Henman, P., & Maravilla, M. A. A. (2019). Towards “Government as a Platform”? Preliminary Lessons from Australia, the United Kingdom and the United States. In *Proceedings of Ongoing Research, Practitioners, Posters, Workshops, and*

- Projects of the International Conference EGOV-CeDEM-ePart 2019*. (pp. 173–184). San Benedetto del Tronto.
- Gram-Hansen, R. (2017). Digital Services and Sustainable Solutions: Government as a Platform. In H. Geng (Ed.), *Internet of things and data analytics handbook* (pp. 38–39). New Jersey, USA: John Wiley & Sons, Inc.
- Greenaway, N. (2015). *Some Considerations for Implementing Government as a Platform*. Fujitsu. Fujitsu.
- Hairul Othman, M., & Razali, R. (2018). Whole of Government Critical Success Factors towards Integrated E- Government Services: A Preliminary Review. *Jurnal Pengurusan*, (53), 1–16.
- Humphreys, A., Johnson, S., Richardson, J., Stenhouse, E., & Watkins, M. (2007). A systematic review and meta-synthesis: evaluating the effectiveness of nurse, midwife/allied health professional consultants. *Journal of Clinical Nursing*, (16), 1792–1808.
- Janowski, T., Estevez, E., & Baguma, R. (2018). Platform governance for sustainable development: Reshaping citizen-administration relationships in the digital age. *Government Information Quarterly*, 35(4), 1–16.
- Janssen, M., & Estevez, E. (2013). Lean government and platform-based governance-Doing more with less. *Government Information Quarterly*, 30(2013), 1–8.
- Jera, B. (2017). Government as a Platform: A Value Proposition. New Zealand: Department of Internal Affairs. Retrieved from <https://www.digital.govt.nz/blog/gov-as-a-platform-a-value-proposition-discussion-paper?rf=1>
- Katsonis, M. (2015). Digital Government: A Primer and Professional Perspective. *Australian Journal of Public Administration*, 74(1), 42–52.
- Keshtkar, A. (2018). *How to Read a Systematic and Meta-Analysis Paper*. Tehran Medical Science University, Tehran. (in Persian)
- Kitchenham, B. (2004). *Procedures for Performing Systematic Reviews*. Keele University Technical Report. Kitchenham.
- LeMasson, B. (2017). Government as a platform sounds great. But what does it look like in practice? Retrieved July 5, 2017, from <https://www.accenture.com/us-en/insight-highlights-public-service-great-government-platform>
- Lemke, F. (2018). *From eGov to sGov: Super-Applications as a Driver for eGov Transformation – a Case Study Research*. Tallin University, Tallin, Estonia.
- Linders, D. (2012). From e-government to we-government: Defining a typology for citizen coproduction in the age of social media. *Government Information Quarterly*, 29(4), 446–454.
- Manian, A., Moosakhani, M., Hassanzadeh, A., Jami Pour, M. (2014). Designing a Maturity Model of KM Aligned with Business Strategies Using Meta Synthesis Method, *Journal of Information Technology Management*, 6(19), 307-332. (in Persian)

- Margetts, H., & Naumann, A. (2017). *Government as a Platform: What Can Estonia Show the World?* Retrieved from <https://www.politics.ox.ac.uk/materials/publications/16061/government-as-a-platform.pdf>
- McBride, K. (2017). *Government as a Platform: Exploiting Open Government Data to Drive Public Service Co-Creation*. Tallin University of Tecnology, Tallin-Estonia.
- McKinsey & Company. (2017). Five Fifty: Platform plays. Retrieved May 9, 2018, from <https://www.mckinsey.com/business-functions/digital-mckinsey/our-insights/five-fifty-platform-plays>
- Millard, J. (2013). ICT-enabled public sector innovation: Trends and prospects. In *ICEGOV '13 Proceedings of the 7th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governanc* (pp. 77–86). Seoul- Republic of Korea: ACM.
- Millard, J. (2015). Open governance systems : Doing more with more. *Government Information Quarterly*, 35(4), 77–87.
- Millard, J. (2017). European Strategies for e-Governance to 2020 and Beyond. In *Government 3.0 - Next Generation Government Technology Infrastructure and Services* (Vol. 32, pp. 1–26). Springer International Publishing AG 2017.
- Moher, D., Liberati, A., Tetzlaff, J., Altman, D., & PRISMA Group. (2009). Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses: The PRISMA Statement. *Annals of Internal Medicine*, 151(4), 164–269.
- Mukhopadhyay, S., Bouwman, H., & Jaiswal, M. P. (2019). An open platform centric approach for scalable government service delivery to the poor: The Aadhaar case. *Government Information Quarterly*, 36(3), 437–448.
- Nikayin, F. A. (2014). *Common Platform Dilemmas*. Next Generation Infrastructure Foundation, Delft, Netherands.
- O'Reilly, T. (2010). Government as a platform. In D. Lathrop & L. Ruma (Eds.), *Open Government, Collaboration, Transparency and Participation in practice* (pp. 13–40). O'Reilly Media.
- O'Reilly, T. (2010). Government as a Platform. Transparency for Iran (Trans). In D. Lathrop & L. Ruma (Eds.), *Open Government, Collaboration, Transparency and Participation in practice* (pp. 13–40). (in Persian)
- O'Reilly, T. (2017). Government as a Platform. In *WTF?: What's the Future and Why It's Up to Us* (eBook, 1st ed.). HarperCollins.
- OECD Digital Government Project. (2018). *Digital Government Review of Sweden Towards a Data-driven Public Sector; Key Findings*. OECD Publishing.
- OECD. (2018). Open data portals: Enabling government as a platform. In *Open Government Data Report* (pp. 155–180). OECD.
- Paulin, A. (2019). Chapter 8 - Semantic Technologies, Algorithmic Governance and Platforms. In A. Paulin (Ed.), *Smart City Governance* (pp. 159–172). Elsevier.

- Petrov, M., Burov, V., Shklyaruk, M., & Sharov, A. (2018). *The Government as a Platform - A (Cyber) State for the Digital Economy. Center for Strategic Research Contents*. Moscow.
- Petticrew, M., & Roberts, H. (2006). *Systematic Reviews in the Social Sciences A Practical Guide*. Blackwell Publishing.
- Pope, R. (2019). *Government as a Platform Playbook: A practitioner's guide to digital platforms in government*. Ash Center for Democratic Governance and Innovation. Retrieved from <https://platformland.github.io/playbook/book/text/explain.html>
- Reponen, S. (2017). *Government as a Platform: Enabling Participation in A Government Service Innovation Ecosystem*. Aalto University, Finland. Retrieved from
- Ruhlandt, R. W. S. (2018). The governance of smart cities: A systematic literature review. *Cities*, 81, 1–23.
- Shaw, D. R., Achuthan, K., Sharma, A., & Grainger, A. (2019). Resilience orchestration and resilience facilitation: How government can orchestrate the whole UK ports market with limited resources – the case of UK ports resilience. *Government Information Quarterly*, 36(2), 252–263.
- Siau, K., & Long, Y. (2005). Synthesizing e-government stage models – a meta-synthesis based on meta-ethnography approach. *Industrial Management & Data Systems*, 106(4), 443–458.
- Sorati, N., Babashahi, J., Yazdani, H., Karimi, T., (2019). Providing a Model for Shaping Horizontal Alignment among Human Resources Management Practices, *Human Resource Management in The Oil Industry*, 10(38), 3-36. (in Persian)
- Van-Haastert, H. (2016). Government as a Platform : Public Values in the Age of Big Data. In *OII IPP 2016 Conference* (pp. 1–12).
- Williams, P., Gravesen, J., & Brownhill, T. (2015). Introducing Government as a Platform. Retrieved August 28, 2017, from <http://www.govexec.com/excellence/promising-practices/2015/10/introducing-government-platform/122916/>
- Williams, P., Gravesen, J., & Brownhill, T. (2016). How Government Could Serve as the Platform for a New Economy. Retrieved September 23, 2017, from <https://www.govexec.com/excellence/promising-practices/2016/02/how-government-could-serve-platform-new-economy/125892/>
- Yang, H., Kim, S. Y., & Yim, S. (2019). A case study of the Korean government's preparation for the fourth industrial revolution: Public program to support business model innovation. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 5(35), 1–18.